

بسمه تعالی



موسسه فرهنگی قرآن و معنویت صابره (س)

مشاورت فرهنگی و مدیریت پایگاه اطلاع رسانی صابره

www.sabereh.ir

# گزارشات درج شده در سایت صابره

شماره ۴

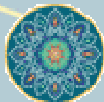
مهر ۹۳

مربوط به جلسات ۳۱ تا ۴۰ دوره آموزشی نظام شناسی

فلسفه تأسیس دوره آموزشی نظام شناسی، بررسی آسیب‌ها و نظامات غربی و مطرح کردن نظامات قرآنی و اسلامی به جا که آنهاست...



ما آمده‌ایم به جامعه بگوییم که اک امت اسلام، مشکلی که شما دارید این است که نظامات جهان کفر و سکولار در رشته‌ها و عرصه‌ها مختلف بر شما مسلط شده است...



انتظار حقیقی ظهور یعنی فراهم کردن نظاماتی که قرآن برای تملک عرصه‌ها و حیات ارائه فرموده و حضرات انمه اطهار (ع) تشریح کرده‌اند...

در ادبیات اسلامی، منظور از غرب، غرب فرهنگی است که از از غروب و افول می‌آید...



Sabereh.ir

**صابره:** گزارش جلسه ۳۱ نظام شناسی / استاد زاهدی: وظایف مهم رسانه قرآنی و اسلامی: رساندن پیام خدا به مردم، معرفی حقایق و افشای باطل، آگاه نمودن جامعه از کمین گاه های دشمن، شیطان شناسی و دشمن شناسی و افشای اسرار شیطان، شناساندن شیوه های نفوذ شیطان، هدایت مردم به وسیله قول شفاعتی و... / ضعف در شیطان شناسی، موجب می شود که آمریکا را شیطان بزرگ ندانیم و با او ارتباط برقرار کنیم / رسانه باید به شدت مراقبت نماید تا ربوبیت نظامات جامعه اسلامی به دست جهان کفر و سکولار نیفتد

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۱ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۲ تیر ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع « معرفی وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

**\* وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی / رساندن پیام خدا به مردم نیاز به رسانه دارد**

۱- رسانه باید جامعه را از رهنمودها و دیدگاه های وحیانی درباره یکایک عرصه های حیات آگاه کند. هرکجا در قرآن لفظ «قُلْ» آمده، پیامبر (ص) دیدگاه های وحی را باید تشریح کند. یعنی رساندن پیام خدا به مردم نیاز به رسانه دارد. چون در کلمه «قُلْ» دو مفهوم مستتر است. یکی مفهوم پیام و دیگری مفهوم ابزار و لوازم آگاهی بخشی.

**\* توصیه به حق و صبر نیاز به رسانه دارد**

۲- رسانه باید حقایق را معرفی کند، باطل را افشا نماید، حقانیت را محور قرار دهد، نور حق را در جامعه پرتو افکن کند. در سوره عصر وقتی خداوند می فرماید «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳) منظور از «الَّذِينَ» جامعه است، چگونه می توان ۷۰ میلیون نفر را به صبر توصیه کرد؟ توصیه به حق و صبر نیاز به رسانه دارد.

۳- رسانه باید مقاومت و استقامت و شیوه های مقاومت را برای مردم روشن کند. «وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳). مردم را با حوصله و بردباری و صبوری آشنا کند. «وَ الَّذِينَ صَبَرُوا» (عد: ۲۲)، «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت: ۳۰)

۴- رسانه باید جامعه را از کمین گاه های دشمن آگاه کند. «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف: ۲۷)

**\* رسانه باید اسرار شیطان را آشکار کند**

۵- یکی از برنامه های رسانه شیطان شناسی است. شیطان شناسی یعنی دشمن شناسی. رسانه باید شیطان را در عرصه ها و چهره های مختلف به مردم نشان دهد. رسانه باید اسرار شیطان را آشکار کند.

۵-۱ قرآن در معرفی شیطان و مکاید او و کمین گاه های او و توطئه های او و خطرات او سنگ تمام گذاشته است. «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف: ۲۷). شیطان می خواهد لباس تقوا را بیرون کند و زشتی های انسان را آشکار کند، انسانی که عاشق دنیا شد مجبور است با دنیا پرستان نشست و برخاست کند.

**\* رسانه باید از توطئه های شیطان بزرگ و کوچک خبر دهد**

۵-۲ رسانه باید وسوسه های شیطان را آشکار کند. شیطان را بشناسید، شیطان بزرگ، شیطان کوچک. رسانه باید از توطئه های شیطان بزرگ و کوچک خبر دهد. زشتی ها و ضعف ها را در شما بزرگ می کند و در شما و به دست خودتان تقویت و مسلط می کند. اهداف شیطان را تحلیل کنید.

۵-۳ قرآن می فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یاسین: ۶۰). شیطان ورزش ما را از بهشت بیرون کرده است، مجلس و دولت را از بهشت بیرون کرده است، خانواده ها را از بهشت بیرون کرده است. این کار رسانه است که شیطان را در این عرصه ها نشان دهد.

۵-۴ ما شیطان را یک موجود پنهانی می دانیم. در صورتی که شیطان تشکیلات و مافیا دارد که آن وسوسه در سینه ها است. ما باید در سیستم های خود، شیطان شناسی داشته باشیم. در دانشگاه، در مجمع تشخیص مصلحت نظام، در وزارت امور خارجه و... .

۵-۵ اگر ما بدانیم که آمریکا شیطان بزرگ است، حاضر نیستیم دست در دست آنها بگذاریم و با او ارتباط برقرار کنیم. ولی اگر ما او را شیطان ندانیم، این ضعف در شیطان شناسی ماست.

**\* کار شیطان ایجاد وسواس و تردید است**

۵-۶- طبق آیات سوره ناس شیطان در بین مردم و جنیان وجود دارد. کار شیطان ایجاد وسواس و تردید است. تردید در انقلاب، تردید در حجاب، تردید در اعتقادات، شیطان دل را دچار تردید می‌کند. طبق این تعریف، گوگل شیطان است، ماهواره شیطان است. چرا ما شیطان را نمی‌شناسیم؟ وظیفه رسانه شناساندن شیوه‌های نفوذ شیطان است.

**\* بعضی مسئولین برای برقراری رابطه با دشمن که همان رابطه با شیطان است به صراحت با قرآن می‌جنگند**

۵-۷- در ادبیات انقلاب اسلامی شیطان به معنای دشمن است. دشمن در قرآن «عدو» است و شیطان دشمنی آشکار است. مقام معظم رهبری می‌فرماید دشمن‌شناس شوید. رسانه باید شیطانی را که دیده نمی‌شود برای مردم روشن کند. در حال حاضر بعضی مسئولین برای برقراری رابطه با دشمن که همان رابطه با شیطان است به صراحت با قرآن می‌جنگند.

**\* رسانه باید به شدت مراقبت نماید تا ربوبیت نظامات جامعه اسلامی به دست جهان کفر و سکولار نیفتد**

۶- بر اساس سوره ناس، رسانه باید به شدت مراقبت نماید تا ربوبیت نظامات جامعه اسلامی به دست جهان کفر و سکولار نیفتد و شیوه‌های پناه بردن به ربوبیت حق را در عرصه‌های مختلف آموزش دهد. «مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ \* وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ \* وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ \* وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق: ۲-۵). «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ \* الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ \* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۴-۶).

۷- کار رسانه این است که گوش و چشم و فهم مردم را سیر دهد. قرآن می‌فرماید: «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (انعام: ۱۱) همه افراد نمی‌توانند هجرت کنند و سفر بروند و این از طریق نقش رسانه، روشن می‌شود. عده‌ای می‌روند و در زمین سیر می‌کنند و جهان دیده می‌شوند و از طریق رسانه اطلاع‌رسانی می‌کنند.

۸- «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ \* مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ \* وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ \* وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق: ۱-۴) طبق این آیات رسانه باید عرصه‌های مختلف جامعه را تحلیل کند، ببیند گره‌ها و عقده‌های جامعه کجاست؟ رسانه باید شرور غاسق و شرور نفاسه‌هایی که در کار گره ایجاد می‌کنند را نشان دهد.

**\* رسانه باید مردم را به وسیله قول شفاف‌بخش هدایت کند**

۹- رسانه باید زیباترین ادبیات را معرفی کند. «وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (حج: ۲۴) یعنی رسانه باید مردم را به وسیله قول شفاف‌بخش هدایت کند. ولی در حال حاضر هنرپیشه‌ها و ورزشکاران و مجری‌ها و... نمی‌توانند راهبرد بدهند و حرف شفاف‌بخش بزنند.

۱۰- بر اساس سوره کافرون رسانه باید خطوط قرمز را در عرصه‌های مختلف به مردم معرفی کند.

۱۱- رسانه باید فرهنگ اطلاعات صحیح را به جهانیان برساند.

۱۲- رسانه باید جهان اسلام را پوشش دهد.

۱۳- رسانه باید از شایعات و سانسور پیشگیری کند.

۱۴- رسانه باید محاصره‌های رسانه‌ای غرب و شرق را بشکند.

- داعش یک گروه تروریستی نیست، بلکه شیطانی است که وسعت زیادی دارد. یک پهلوی آن در اردن یک پهلوی در سعودی یک پهلوی در لبنان یک پهلوی در عراق است. لشکرش عظیم است و اعلام خلافت کرده است و از طرف آمریکا حمایت می‌شود، رسانه است که مردم را از این مسأله آگاه می‌کند.

- از مصادیق رسانه اسلامی می‌توان به اذان و خطبه‌های نماز جمعه اشاره نمود...

**📖 گزارش جلسه سه و دوم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۴/۱۹**

**صابره: گزارش جلسه ۳۲ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: همه قرآن و اسلام یکپارچه رسانه است / از وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی: ارائه الگو به جامعه در عرصه‌های مختلف حیات، ارائه منافع حاصل از باطن آموزه‌های اسلامی، آگاه کردن و آموزش مؤمنین و جامعه اسلامی و...**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۳۲ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۹ تیر ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ادامه معرفی وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* مرور جلسه قبل / محتوای «قُل» و مشتقات آن پیام‌هایی است که دکترین و نظریات وحیانی در عرصه‌های مختلف حیات را بیان می‌کند در جلسه قبل، نظام رسانه از نگاه قرآن و عترت طاهره سلام الله علیهم اجمعین بحث شد. به عنوان نمونه گفته شد کلمه «قُل» خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مفهوم امر و دستور به رساندن پیام بود. محتوای «قُل» و مشتقات آن پیام‌هایی است که دکترین و نظریات وحیانی در عرصه‌های مختلف حیات را بیان می‌کند. نظریاتی مانند نظریات فرهنگ ساز، نظریات جنگ فرهنگی، نظریات نظام‌سازی و تمدن‌سازی، نظریات هستی‌شناسی و خداشناسی، نظریات معرفت‌شناسی، نظریات ولایت‌شناسی و امامت و مدیریت، نظریات جامعه‌شناسی، نظریات انسان‌شناسی، نظریات قیامت‌شناسی و آخرت‌شناسی.

\* ادامه معرفی وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی: ارائه الگو به جامعه در عرصه‌های مختلف حیات، ارائه منافع حاصل از باطن آموزه‌های اسلامی، آگاه کردن و آموزش مؤمنین و جامعه اسلامی، کنترل شایعات

- در جلسه قبل ۱۴ وظیفه از وظایف نظام رسانه اسلامی و قرآنی معرفی شد که ادامه آنها در این جلسه در قالب معرفی کلیدواژه‌های قرآنی که وظایف رسانه را تعیین می‌کند، معرفی می‌شود.

۱۵- یکی از وظایف رسانه، ارائه الگو به جامعه در عرصه‌های مختلف حیات است. «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳). واژه «شهادت» در معنای ارائه الگو به جامعه در عرصه‌های مختلف حیات است. مثل عرصه‌های خانواده، مشاوره، تعلیم و تربیت، علم، دانشگاه، کسب و کار، هنر، ورزش، اقتصاد، پزشکی، کشورداری، سیاست، شهرسازی، مدیریت، صنعت و... همه این عرصه‌ها باید «شهادت» و «شهادت» داشته باشند. واژه «شهادت» در قرآن اکثراً به مفهوم «الگو» آمده و موارد کمی به معنی «کشته شدن در راه خدا» آمده است.

۱۶- مشاهده مستقیم یکی دیگر از وظایف رسانه است. واژه «شاهد» در این معنا به کار رفته است. مثلاً مشاهده می‌کنیم که بعضی امور مانند اصول کشاورزی از طریق رسانه نشان داده می‌شود یا فرمایشات مقام رهبری در رسانه پخش می‌شود و... .

۱۷- از دیگر وظایف رسانه اسلامی، ارائه منافع حاصل از باطن آموزه‌های اسلامی می‌باشد. مثل منافی که روح ولایت در جامعه اسلامی دارد. واژه «شهود» به معنای رؤیت قلبی و شهود قلبی است؛ معصوم علیه‌السلام می‌فرماید: «اللهم نور ظاهری بطاعتک، و باطنی بمحبتک، و قلبی بمعرفتک، و روحی بمشاهدتک، و سری باستقلال اتصال حضرتک» (منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح: ص ۵۰). ظاهر ما با نماز و روزه نورانی می‌شود. ولی باطن ما با معرفت نورانی می‌شود. «و روحی بمشاهدتک»: یعنی شهود مستقیم حضرت حق برای روح است. باید بتوانیم جمال حضرت حق را مشاهده کنیم و رسانه چنین وظیفه‌ای دارد.

۱۸- رسانه باید در برابر چشم همه یا دیدگان جامعه از منافع قرآن دفاع کند. واژه «شهادت» به معنای نظارت عمومی است.

۱۹- واژه «أشهاد» به معنای گواهی دادن حق در فضای اجتماعی است. «وَ يَقُولُ الْأَشْهَادُ» (هود: ۱۸) همه گواه باشند و ببینند که حق با چه کسی است.

۲۰- از دیگر وظایف رسانه آگاه کردن و آموزش مؤمنین و جامعه اسلامی است. واژه‌های زیادی مربوط به این وظیفه رسانه در قرآن وجود دارد. از جمله واژه «علم»، «تعلیم»، «اعلام» که به معنی آگاه کردن است. رسانه و منابر ما باید علم و حکمت را تعلیم دهند: «وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (بقره: ۱۲۹)؛ دانش به معنی قوانین داخل هستی است. حکمت به معنی قوانین حاکم بر هستی است. باید شیوه‌های کسب حکمت را آموزش بدهیم تا نور حکمت در قلبمان بتابد. لذا رسانه می‌بایست شیوه‌های کسب حکمت را آموزش دهد.

۲۱- از دیگر وظایف رسانه اسلامی، کنترل شایعات است. یعنی رسانه باید نظام حقیقت‌یاب داشته باشد و خبرهای صحیح را ارائه دهد. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» (نور: ۱۹). واژه قرآنی مربوط به این وظیفه رسانه واژه «اشاعه» و «شیوع» است.

۲۲- از دیگر وظایف رسانه، رساندن پیام‌های خاص است که در قالب بسته خبری از جانب وحی می‌آید که در قرآن با الفاظ «بلاغ» و «ابلاغ» و «تبلیغ» و سایر مشتقات آن یاد شده است. تبلیغ بر وزن تفعیل به معنای شدت و تکرار می‌باشد. بنابراین رساندن پیام‌های خاص با شدت و تکرار از وظایف رسانه است. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷).

۲۳- رسانه اسلامی باید رسول و خبر رسان باشد. کلید واژه «رسالت»، «رسول»، «ارسال»، «رسل» و سایر مشتقات آن در این زمینه دلالت دارد. وظیفه رسول طبق نص قرآن عبارت است از: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷) یعنی رسانه باید وحی را ابلاغ کند تا مردم ولایی و شیعه شوند. واژه «ارسال» در قرآن ۷ مرتبه آمده است. «ارسلنا» ۵۸ مرتبه، «ارسلناک» ۱۳ مرتبه، «رسول» ۱۱۶ مرتبه، «رسوله» ۸۴ مرتبه، «رسل» ۳۴ مرتبه، «ارسلنا» ۱۷ مرتبه و «ارسلت» ۳ مرتبه در قرآن آمده است.

- شرح وظایف «رسول» و محتوای «رسالت» نیاز به توضیحات دارد و وقت زیادی می‌برد و فعلاً از آن عبور می‌کنیم.

۲۴- کلیدواژه دیگر «نبأ»، «نبی»، «انباء» است که به معنای خبر می‌باشد. «عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» (نبأ: ۲)، «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱): به نبی، علم اسماء الهی داده شده و او وظیفه دارد خبر آن را به مردم بدهد و رسانه نیز این وظیفه را بر عهده دارد که این خود بیانگر عظمت کار رسانه است.

- واژه «أنباءکم» ۸ مرتبه در قرآن آمده است، واژه «ینبئکم» ۹ مرتبه، واژه «نبأ» ۱۵ مرتبه، واژه «انبئه» ۱۰ مرتبه، واژه «نبی» ۵۲ مرتبه، واژه «نبیین» ۱۳ مرتبه، واژه «انبیاء» ۵ مرتبه و واژه «نبوت» ۵ مرتبه در قرآن آمده است.

#### \* همه قرآن و اسلام یکپارچه رسانه است

- به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که تمام اسلام به رسانه اش وابسته است. همه اسلام، نبوت و رسالت و بلاغت و تبلیغ است. همه اسلام متوجه رسانه است. اهمیت رسانه را آمریکا و صهیونیست‌ها متوجه شده‌اند و تمام قدرتشان را در رسانه جمع کرده‌اند ولی ما از قدرت رسانه غافلیم. در حالیکه اسلام می‌خواهد هر یک از مؤمنین یک رسانه باشند. یعنی باید همه شئون زندگی ما رسانه و مبلغ اسلام باشد. ما باید رسانه باشیم و تا روز قیامت پیام غریبی و بی کسی حضرت زهرا سلام الله علیها را برسانیم. امام خمینی (ره) یک رسانه بود. شهید رجایی یک رسانه بود.

- قرآن، یکپارچه رسانه است. همه اسلام رسانه است. رسول خدا(ص) رسانه است. شهادت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) رسانه است. شهادت حضرت زهرا(س) و طریقه دفن ایشان و ناپیدا بودن حرم ایشان، رسانه است، افشاگر است. اما کجای زندگی ما در حال حاضر رسانه است؟ آیا جایی در سبک زندگی ما برای رسانه بودن وجود دارد؟ متأسفانه همه صهیونیسم و سرمایه‌اش روی رسانه است. با هالیوود و فیس بوک و یاهو و... باطل خودشان را معرفی می‌کنند...

#### 📖 گزارش جلسه سه و سوم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۴/۲۶

**صابره: گزارش جلسه ۳۳ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: فعالیت ما در این برنامه‌ها و کلاس‌ها، کار عمیق و تدبّر در قرآن و کسب معرفت به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان(عج) است / سینما یک هنر نیست، بلکه رسانه است؛ چراکه ابزار فرهنگی برای رساندن پیام به مردم است / اولین کلید شیطان برای بی حیا کردن ما، خلجان دادن هواهای نفسانی حتی برای کارهای خیر است / مراحل ایجاد بی‌عفتی توسط شیطان: غفلت از هدایت‌های الهی، تمایلات نفسانی، غفلت از فریب شیطان، انس به دنیا و مبتلا شدن به لوازم آن و... / راه نجات از دام و فریب شیطان: تن کردن لباس حیا و تقوا، سرمشق کردن هدایت الهی، توسل و تمسک به پنج تن آل عبا(ع)**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۳۳ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۶ تیر ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) به موضوع « معرفی نظام رسانه کفر و شیطانی» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* فعالیت ما در این برنامه‌ها و کلاس‌ها، کار عمیق و تدبّر در قرآن و کسب معرفت به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان(عج) است

- در مؤسسه صابره سلام الله علیها و کلاس‌های دوره نظام‌شناسی، همه کار ما تدبّر در قرآن است. اینکه قرآن و اهل البیت(ع) به ما چه می‌فرمایند. مگر بالاترین عبادات از نگاه وحی در ماه مبارک رمضان، تلاوت و تدبّر و تمسک به قرآن نیست؟ ما هم همین کار را می‌کنیم. شب قدر ما، همین برنامه است. حاجات و نورانیت خود را از این جلسات می‌گیریم. کار عمیق و تدبّر در قرآن و کسب معرفت به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان(عج) در اینجا صورت می‌گیرد. در روزهای جمعه زیارت عاشورا حتی ایام نوروز و تعطیلات و... برقرار است.



\* با دلی شاد و قلبی پر امید و گامی استوار و معرفتی عمیق و روحی امیدوار به رحمت الهی وارد این جلسات می‌شویم که قلبهایمان را شفا بدهد و قفل‌های قلبمان را باز کند

- لحظات و ایامی داریم که حرم خداست(حرم زمانی و حرم مکانی). طبق آیات و روایات و نشانه‌های وحی در اسلام، به دلیل لیلۃ‌القدر، حرم زمانی خیلی عظیم است. خداوند متعال یک حرم مکانی و زمینی به نام مکه را به ما معرفی کرده و یک حرم زمانی به نام لیلۃ‌القدر را شرح



داده‌اند که این حرم زمانی از حرم مکانی خدا بالاتر است. شب جمعه یک حرم است. ماه مبارک رمضان حرم خداست. ایام شهادت حضرت مولا(ع) و شروع شدن غریبی اهل البیت(ع) حرم خداست. تدبّر و تمسّک به قرآن حرم است و... در این حرم‌ها باید اصلاح قفل قلبها صورت بگیرد. مگر خداوند فرموده «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴). ما در این کلاس‌ها و برنامه‌ها از قرآن شروع می‌کنیم. با دلی شاد و قلبی پر امید و گامی استوار و معرفتی عمیق و روحی امیدوار به رحمت الهی وارد این جلسات می‌شویم که قلبهایمان را شفا بدهد و قفل‌های قلبمان را باز کند. در این مؤسسه که وقف حضرت زهرا(س) است، احیاء، تضرع، توسل، تدبّر در آیات حق و عترت طاهره (صلوات الله علیهم اجمعین) باید صورت گیرد.

**\* انسان مؤمن با توجه به تمام آیات و بینات باید متوجه این امر باشد که تمام اجزای زندگی در راستای رسانه قرآنی و اسلامی باشد**

در جلسه قبل، نظام رسانه اسلامی از طریق کلیدواژه‌های قرآنی تبیین گردید. کلیدواژه‌هایی مانند نبی و نبأ، رسول و رسالت، تبلیغ و ابلاغ و بلاغ، تعلیم و اعلام و... که آیات مربوطه هم تلاوت و شرح داده شد. و اینگونه نتیجه‌گیری گردید که براساس آیات فراوان، سراسر اسلام و قرآن رسانه است و همه عرصه‌های اسلام، رسانه است. مانند: مساجد، نماز جمعه، رفتار ائمه اطهار(ع)، غدیرخم، اذان و اقامه، حج، روحانیت، منبر و محراب، عاشورا، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، ماه صیام، عید فطر و... همه رسانه هستند. لذا یک انسان مؤمن با توجه به تمام آیات و بینات باید متوجه این امر باشد که تمام اجزای زندگی در راستای رسانه قرآنی و اسلامی باشد. شرکت او در عروسی و عزاء، سبک زندگی، خرید کردن و... او رسانه است. حجاب رسانه است. طرز لباس پوشیدن مردان، آرایش موی سر و محاسن(ریش) آنان، رسانه است. دشمن فهمیده که ریش گذاشتن برای مسلمانان یک رسانه است، لذا تکفیری‌ها تمام جنایات و تجاوزات خود در پشت این ریش (که رسانه اسلامی است) پنهان می‌کنند و با این نماد، مسمانان را به دنیا خشن و بی منطق معرفی می‌کنند.

**\* سینما یک هنر نیست، بلکه رسانه است؛ چراکه ابزار فرهنگی است برای رساندن پیام به مردم**

براساس تعریفی که در جلسه گذشته از رسانه شد عرصه‌هایی مانند سینما، مجلات، روزنامه، اینترنت، فیس بوک، تلویزیون و ماهواره، خبرگزاری‌ها، وبسایت‌ها و... همه رسانه است.

سینما یک هنر نیست، بلکه رسانه است؛ چراکه ابزار فرهنگی است برای رساندن پیام به مردم. مستندات غیر قابل انکاری در دست است که نشان می‌دهد مردم اروپا باحجاب بوده‌اند و متأثر از رسانه به کلی بی‌حجاب و بی‌عفت و بی‌حیا شده‌اند. در حدود صد و بیست سال پیش از فیس بوک، موبایل، اینترنت، تلویزیون خبری نبود. فقط سینما بود و مردم توسط سینما به چنین روزگاری افتادند. تئاتر در مقایسه با سینما چه از نظر تعداد محل و چه از نظر تعداد دفعات نمایش و چه از نظر جمعیت تماشاچی بسیار کم بود. لذا می‌توان نهایتاً تصدیق نمود که بی‌عفتی و بی‌حیایی تنها از طریق سینما به مردم اروپا منتقل گردید.

حب دنیا و شهوت‌رانی و خوش‌گذرانی، ریشه این بی‌حجابی و بی‌عفتی بود و سینما بهترین عامل و قوی‌ترین بازو برای ترویج بی‌عفتی بود. اشاعه این بی‌حیایی از طریق نشان دادن روابط نامشروع در متن زندگی و تحریک هیجان‌های شهوانی به وسیله نمایش فیلم‌های مستهجن، و شیرین و عادی جلوه دادن شیوه‌های زندگی نامشروع در متن فیلم‌ها بود. در این راستا آرام آرام این روابط در نگاه مردم عادی شد، به گونه‌ای که ستاره‌های سینما در نظر مردم محبوب گردیده و به همین دلیل زنان به زندگی نمایشی و سینمایی روی آوردند.

**\* یکی از اولین و اصلی‌ترین برنامه‌های شیطان ایجاد بی‌عفتی است**

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷) خداوند متعال در این آیه می‌فرماید یکی از اولین و اصلی‌ترین برنامه‌های شیطان ایجاد بی‌عفتی است. شیطان لباس حیا و تقوا را از تن شما بیرون می‌کند. لباس حیا که از تن شما بیرون افتاد، آنگاه زشتی‌های شما بیرون می‌زند. از معاملات و حرفهای شما و اعمال شما، سؤات و زشتی‌های شما بیرون می‌زند. برگ بهشتی یا ورق الجنة همان حیا است که زشتیها را می‌پوشاند. خداوند به لباس تقوا اشاره دارند: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶) در نتیجه، سؤات به معنی آلت تناسلی نبوده بلکه به معنی بی‌حیایی و زشتیهاست و ورق الجنة هم به معنی برگ درخت زمینی نبوده، بلکه به معنی حیا و پوشاننده زشتیها و تقواست. «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى \* وَ أَنْكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى» (طه: ۱۱۸-۱۱۹) این آیه خطاب به حضرت آدم می‌فرماید که در اگر در بهشت قرب باشی، نه شکم سیری ناپذیر پیدا می‌کنی و نه رسوا و بی حیا و بی ناموس و بی عفت می‌شوی، نه دچار عطش ناشی از طمع می‌شوی و نه گرم‌زده از رقابت‌های ناسالم و خستگی آور. اینها نشانه‌های بهشت است. پس برگ بهشت هم مثل برگهای دنیایی نیست. خداوند فرموده که این بهشت قرب من و تقرب من است و تا وقتی که در آن هستی لا تجوع و لا تعری و لا تظمؤا و لا تضحی هستی. این ۴ نشانه، محور سؤات و زشتی‌هاست و هواهای نفسانی هستند. این زشتیها و هواهای نفسانی را فقط با برگ بهشتی می‌توان پوشاند و آن برگ بهشتی، حیاست. لذا اولین کاری که شیطان می‌کند، این است که عفت و حیا را از جامعه می‌برد.

\* اولین کلید شیطان برای بی حیا کردن ما، خلجان دادن هواهای نفسانی حتی برای کارهای خیر است

اولین کلید شیطان برای بی حیا کردن ما، خلجان دادن هواهای نفسانی است. حتی برای کارهای خیر. با حضرت آدم هم همین گونه رفتار کرد. حضرت آدم و حوا عاشق و دلباخته خداوند بودند و شیطان قسم خورد که این درخت نشانه خلود و ماندن ابدی در بهشت قرب خداوند است. قسم شیطان راست بود. آن شجره واقعاً شجره خلد بود، ولی فریب شیطان این بود که آنها بدون اذن خدا به سمت آن شجره رفتند و از خدا جلو زدند. بدون اذن خدا، حتی شجره خلد هم موجب گمراهی می شود. لذا شیطان از طریق هوای نفس و غفلت ایجاد شده در حضرت آدم و حوا، آنها را به سمت یک خیر بزرگ کشانید. شیطان از طریق دعوت به خیر و تقرب و عشق آنها به خدا، آنها را فریب داد و اذن خدا را از یادشان برد.

\* مراحل ایجاد بی عفتی توسط شیطان: غفلت از هدایت های الهی، تمایلات نفسانی، غفلت از فریب شیطان، انس به دنیا و مبتلا شدن به لوازم



آن و... (غفلت یعنی از دست دادن آماده باش کامل در برابر شیطان)

۱- غفلت از هدایت ها و اوامر الهی، کلید ورود به همه گرفتاری ها است. «وَيَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» \* فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۱۹-۲۱) غفلت یعنی از دست دادن آماده باش کامل در برابر شیطان که مربوط به حال مؤمنین است؛ وقتی شیطان به امید

انجام کار خیر، انسان را منحرف می کند، او فرامین و هدایت های الهی را فراموش می نماید.

۲- تمایلات نفسانی هر چند به منظور خیر باشد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا أَدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلَى» (طه: ۱۲۰) مانند حضرت آدم و حوا که به امید خلود در بهشت قرب و یا مُلک شدن، قسم شیطان را پذیرفتند و به شجره ممنوعه نزدیک شدند و فریب خوردند.

۳- غفلت از فریب های شیطان: «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سواتیهما انه یراکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم انما جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون» (اعراف: ۲۷)؛ شیطان، نفس انسان را به خلجان وامی دارد و تمایلات نفسانی را برای او جلوه می دهد به طوری که انسان احساس می کند کاری که انجام می دهد خیر و صلاح است.

۴- خروج از بهشت قرب و پیدا شدن سوات و زشتی ها: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِیعاً» (بقره: ۳۸)

۵- ورود به دنیا و مبتلا شدن به لوازم آن: «قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حَیْنٍ» (اعراف: ۲۴)

۶- شروع انس به دنیا: «قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حَیْنٍ» (بقره: ۳۶)

۷- عمیق شدن لوازم دنیا: «فَقُلْنَا یَا أَدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرَوْحِكَ فَلَا یُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى \* إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِیْهَا وَ لَا تَعْرِی \* وَ أَنْتَ لَا تَطْمَؤُنُ فِیْهَا وَ لَا تَصْحَى \* فَوَسْوَسَ إِلَیْهِ الشَّیْطَانُ قَالَ یَا أَدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا یَبْلَى \* فَأَکَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا یَخْصِفَانِ عَلَیْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى ءَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (طه: ۱۱۷-۱۲۱) «تجوع» فقط گرسنگی نیست، شکم سیری ناپذیر است. «تعری» فقط عریانی نیست، بی حیایی و بی عفتی است. «تظمؤا» فقط تشنگی نیست، عطش سیری ناپذیر طمع است. «تضحی» فقط خستگی نیست، رقابت های وحشتناک است.

۸- فساد و قتل: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره: ۳۰)

۹- دیدن زشتی ها: «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سواتیهما انه یراکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم انما جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون» (اعراف: ۲۷)

۱۰- دشمنی: «فَآزَلَهُمَا الشَّیْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا کَانَا فِیْهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حَیْنٍ» (بقره: ۳۶)

\* راه نجات از دام و فریب شیطان: تن کردن لباس حیا و تقوا، سرمشق کردن هدایت الهی، توسل و تمسک به پنج تن آل عبا(ع)

۱- تن کردن لباس حیا: «وَ طَفِقَا یَخْصِفَانِ عَلَیْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (طه: ۱۲۱)

۲- تن کردن لباس تقوا؛ یعنی آماده باش کامل و غافل نبودن از اوامر الهی: «یا بنی آدم قَدْ أَنزَلْنَا عَلَیْکُمْ لِبَاساً یُؤَارِی سَوْآتِکُمْ وَ رِیشاً وَ لِبَاسُ النَّقْوِ ذَلِکَ خَیْرٌ» (اعراف: ۲۶)

۳- هدایت الهی را سرمشق خود کردن: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِیعاً فَمِمَّا یَأْتِیَنَّکُمْ مِّنْیَ هُدًی فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)

۴- توسل و تمسک به پنج تن آل عبا (کلمات): «فَتَقَلَّبَیْ أَدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ» (بقره: ۳۷) ...

**صابره:** گزارش جلسه ۳۴ نظام شناسی / استاد زاهدی: معرفی اهداف و برنامه های اصلی نظام رسانه کفر و شیطانی بر اساس قرآن / برانگیختن تمایلات، فریب، ایجاد غفلت و نسیان، لغزش و دنیا زدگی، وسوسه، بازداري از صراط مستقیم، امر به فحشاء، گمراهی از ولایت و ایجاد فتنه از اهداف و راهکارهای رسانه های شیطان است / پرورش حیا، تضرع و توبه، تبعیت از فرامین قرآن و عترت، از راه های نجات در برابر ترویج بی عفتی توسط رسانه های شیطان است / از مصادیق رسانه های شیطانی می توان به سینما، فیس بوک، ماهواره، اینترنت، مدها و... اشاره نمود

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۴ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ادامه معرفی نظام رسانه کفر و شیطانی بر اساس قرآن» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

**\* جهان سکولار با نظام رسانه اش توانسته است بر نظام اسلامی چیره شود**

- موضوع این جلسه نظام رسانه کفر و شیطانی است که مکمل جلسات قبل درباره این رسانه می باشد. طبق آنچه در گذشته ارائه گردید مأموریت های نظام رسانه از اطلاع رسانی تغییر کرده و تبدیل شده به جاسوسی، جا انداختن نظام مدرنیته، نظام لیبرال دموکراسی و نظام فناوری و تکنولوژیکی سکولار. به این ترتیب می توان گفت جهان سکولار با نظام رسانه اش توانسته است بر نظام اسلامی چیره شود. لذا باید ماهیت و مأموریت های رسانه جهان غرب شناخته شود تا به درستی در برابر آن بتوانیم موضع گیری کنیم.

**اهداف و برنامه های اصلی رسانه های شیطان بر اساس قرآن**

۱) بی عفتی «تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ» (نور: ۱۹)

۱-۱- بی عفتی (سوءات)

**\* ایجاد دشمنی، رسوایی، عصیان و خروج از بهشت قرب، از جلوه های ترویج بی عفتی توسط رسانه های شیطان است**

بعد از خروج از بهشت قرب، سوءات و زشتی های انسان آشکار می شود. «كَمَا أَخْرَجَ أَبُو يَكُومُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا» (اعراف: ۲۷). سوءات همان بی عفتی است که جلوه های مختلفی دارد:

۱-۱-۱ ایجاد عداوت و دشمنی، اختلاف و درگیری: «بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (اعراف: ۲۴)

۱-۱-۲ ایجاد رسوایی و بی عفتی، شکم سیری ناپذیر، عطش طمع، رقابت چشم و هم چشمی، شهوات: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى» (طه: ۱۱۸)

۱-۱-۳ نتیجه ذاتی عصیان اگرچه به دلیل غفلت و نسیان باشد خروج از بهشت قرب و ورود به حیات دنیاست. خداوند از حضرت آدم انتقام نگرفت، بلکه نتیجه ذاتی غفلت و عصیان را اعلام کرد که همان هبوط در دنیاست. همانگونه که ویژگی بهشت قرب در امان ماندن از گرسنگی (شکم سیری ناپذیر)، عریانی (رسوایی)، تشنگی (عطش طمع)، خستگی و گرمزدگی (رقابت و چشم و هم چشمی و درگیری) است. با توجه به آیات سوره طه: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى» (۱۱۸) وَ أَنْكَ لَا تَطْمَوُّ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى» (۱۱۹) از ویژگی های بهشت قرب این است که خداوند متعال به حضرت آدم علیه السلام فرمود هرچه دلتان می خواهد در بهشت قرب بخورید، لذا خوردن گناه نیست و اشتها داشتن و میل به خوردن و لذت گزایی در بهشت قرب هم وجود دارد. ولی آنچه که در بهشت قرب نیست، سیری ناپذیری است. در بهشت قرب نیز انسان اندامش را به همراه دارد ولی رسوایی، سکس و شهوات وجود ندارد. در بهشت قرب نیز میل به آب و نوشیدنی ها وجود دارد و هرگونه نوشیدنی هست ولی عطش پایان ناپذیری که تجلی آن در طمع هست وجود ندارد. در بهشت قرب نیز آفتاب و نور و گرما به اندازه نیاز وجود دارد، ولی گرمزدگی و خستگی و درماندگی و رقابت و دوندگی های بیجا نیست.

۱-۲- راه نجات از بی عفتی

**\* پرورش حیا، تضرع و توبه، تبعیت از فرامین قرآن و عترت، لقا به ساحت اهل البیت (ع) و لباس تقوا، از راه های نجات در برابر ترویج بی عفتی توسط رسانه های شیطان است**

۱-۲-۱ ترویج و پرورش حیا: «وَ طَفِيقًا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۲)

۱-۲-۲ تضرع و التماس و مناجات و توبه: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف: ۲۳)

فرق استغفار با توبه: استغفار یعنی طلب مغفرت کردن که به شکل زبانی است مانند نماز و دعا. توبه یعنی انجام عملی که مورد رضا و عنایت حضرت حق است، مانند صدقه، دادن وجوهات، دفاع از مکتب اهل البیت علیهم السلام، دستگیری از فقیر، اصلاح ذات البین، امر به معروف و



نهی از منکر، دفاع از انقلاب اسلامی، شهادت، کتک خوردن در راه خدا، اطاعت از پدر و مادر، محبت به زیردستان، عیادت مریض‌ها، استغفار و ورود به عالم غفران حق است اما توبه و ورود به عالم فیض حضرت حق است. لذا باید بعد از استغفار، توبه باشد و اگر نباشد فایده‌ای ندارد و برعکس.

۳-۲-۱- لقا و تلقی و القاء به ساحت مقدس حضرات اهل بیت علیهم السلام: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: ۳۷)

۳-۲-۴- متابعت به هدایت‌های الهی یعنی فرامین قرآن و اهل بیت علیهم السلام: «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)

۳-۲-۵- لباس تقوا «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶)

\* حضرت آدم با حیا و استغفار و توبه به مقامی رسید که توانست رتبه «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» را درک کند و به درجه «اصطفی» و «اجتبی» صعود نماید

- استفاده حضرت آدم از ورق الجنه یعنی حیا و سپس استغفار و توبه. حضرت آدم با حیا و استغفار و توبه به مقامی رسید که توانست رتبه «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» را درک کند. و مدال «فَتَابَ عَلَيْهِ» را به دست آورد و به درجه اصطفی «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ» (آل عمران: ۳۳) و اجتبی «ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى» (طه: ۱۲۲) صعود نماید و با آن کلمات (کلمات=۵ تن آل عبا علیهم السلام)، همراز و هم‌نفس و هم‌نشین گردد و به زندگی آرام و امن و بدون خوف و بدون حزن دست یابد و شامل «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸) گردد.  
\* برانگیختن تمایلات، فریب، ایجاد غفلت و نسیان، لغزش و دنیازدگی، وسوسه، بازداري از صراط مستقیم، امر به فحشاء، گمراهی از ولایت و ایجاد فتنه از اهداف و راهکارهای رسانه‌های شیطان است

۲) برانگیختن تمایلات هر چند به ظاهر صحیح باشد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلَى» (طه: ۱۲۰) همان‌طور که شیطان ابتدا تمایل حضرت آدم به خلود و ملک شدن را تحریک نمود و برای او و همسرش قسم خورد که ناصح و خیرخواه آنان است، اما فریب شیطان این بود که نگفت نزدیک شدن به این درخت بدون اذن خداوند متعال اثر معکوس دارد.  
۳) فریب اصلی‌ترین راهکار رسانه‌های شیطان است: «وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴) رسانه شیطان با فریب خود قادر است دور را نزدیک و نزدیک را دور کند.

۴) ایجاد غفلت و نسیان از اهداف رسانه می‌باشد: «وَ إِمَّا يُنَسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْقُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (انعام: ۶۸)، «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ» (یوسف: ۴۲)

۵) لغزش از اهداف رسانه می‌باشد: «فَآزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» (بقره: ۳۶)

۶) اخراج از بهشت قرب و دنیازدگی از اهداف رسانه می‌باشد: «وَ قُلْنَا اهْبِطُوا» (بقره: ۳۶)

۷) وسوسه «الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس: ۵)

۸) ترساندن دوستانش «إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵)

۹) زینت دادن شهوات «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ» (آل عمران: ۱۴)

۱۰) اضافه کردن گرفتاری‌ها «وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق: ۴)

۱۱) بازداري از صراط مستقیم؛ با تبدیل بهترین راه‌ها به بدترین راه‌ها «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف: ۱۶)

۱۲) استراق سمع «إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ» (حجر: ۱۸)، وظیفه ما آماده باش کامل در مقابل استراق سمع آنهاست. «وَ يَقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ» (صافات: ۸)

۱۳) کشف نقاط ضعف و اسرار جهان اسلام «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف: ۲۷)

۱۴) مصرف‌گرایی، اشرافی‌گری، اسراف و تبذیر «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء: ۲۷)

۱۵) ایجاد بغض و کینه و عداوت «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ» (مائده: ۹۱)

۱۶) طرح دوستی شیطان با مسلمین «وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۱۹)

۱۷) ترساندن از فقر و امر به فحشاء «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (بقره: ۲۱۸)

۱۸) حرکت گام به گام به سوی نیستی و سقوط «وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۱۶۸)

۱۹) اثر گذاری روی ذهن «تَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره: ۲۷۵)

۲۰) گمراهی از ولایت «وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۶۰)

۲۱) ایجاد آرزوهای دراز «يَعِدُهُمْ وَ يُمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء: ۱۲۰)

۲۲) ایجاد پلیدی «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (مائده: ۹۰)

۲۳) ایجاد فتنه و اختلاف و تیرگی دل «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» (اعراف: ۲۰۰)

۲۴) کلک زدن شیطان «رِجْزَ الشَّيْطَانِ» (انفال: ۱۱)

۲۵) سرپوش گذاشتن روی حق و حقیقت «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسرا: ۲۷)

۲۶) القای شبهه «إِذَا تَمَنَّيَ الْفَيْ السَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ» (حج: ۵۲)

۲۷) واداشتن به کارهای زشت «يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱)

۲۸) کشاندن به خذلان و پستی «كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (فرقان: ۲۹)

۲۹) بستن راه خدا «وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ» (نمل: ۲۴)

۳۰) زینت دادن عمل زشت «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ» (محمد: ۲۵)

۳۱) عداوت با حق و پیامبران «كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام: ۱۱۲)

۳۲) لرزاندن قلب «تَوَزَّهُمْ أَزًّا» (مریم: ۸۳)

۳۳) محاصره شدن توسط شیاطین «هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» (مؤمنون: ۹۷)

۳۴) برنامه داشتن دشمن، داشتن طرح و نقشه و طبقه بندی «الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (زخرف: ۶۲)

\* از مصادیق رسانه‌های شیطانی می‌توان به سینما، فیس بوک، ماهواره، اینترنت، مدها و... اشاره نمود

- در حال حاضر مصادیق رسانه های شیطانی عبارتند از: سینما، فیس بوک و بسیاری از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و موبایلی، ماهواره، اینترنت، بسیاری از وب سایت ها، بسیاری از روزنامه ها و مجلات، برخی از برنامه های تلویزیونی، بسیاری از نرم افزارها و بازی های یارانه‌ای، بسیاری از خبرگزاری ها، بسیاری از خبرنگارها، بسیاری از تئاترها، بسیاری از کتاب ها و نمایشنامه ها و داستان ها، بسیاری از سریال های بی محتوا و احياناً مبتذل در سوپر مارکت ها، شبکه های قداست شکن، بسیاری از مدها، بسیاری از سمینارها و جشنواره ها، بسیاری از برنامه های غافل کننده، بسیاری از برنامه هایی که باید دولت بر آنها نظارت داشته باشد مثل برنامه های گردشگری و پیامک هایی که راجع به این برنامه ها ارسال می شود و در جهت مقاصد شیطانی و امیال بشری عمل می کنند. همچون تبلیغ سفر به آنتالیا با برنامه های شاد و نوشابه های رایگان و....

## 📖 گزارش جلسه سه و پنجم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۵/۰۹

**صابره: گزارش جلسه ۳۵ نظام شناسی / استاد زاهدی: ما آمده ایم به جامعه بگوییم که ای امت اسلام، مشکلی که شما دارید این است که نظامات جهان کفر و سکولار در رشته ها و عرصه های مختلف بر شما مسلط شده است / فلسفه تأسیس دوره آموزشی نظام شناسی، بررسی آسیب های نظامات غربی و مطرح کردن نظامات قرآنی و اسلامی به جای آنهاست / شروع معرفی و بررسی نظام روابط بین الملل / هدف خداوند، ائمه نمودن اولیاء حق در جهان (أرض) و مأموریت ما اجرای عدل و قسط در جهان است**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۵ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۹ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «شروع معرفی نظام روابط بین الملل» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

\* ما آمده ایم به جامعه بگوییم که ای امت اسلام، مشکلی که شما دارید این است که نظامات جهان کفر و سکولار در رشته ها و عرصه های مختلف بر شما مسلط شده است

- بحثی که ما در این دوره، روزهای پنجشنبه داریم، ذیل عنوان نظام شناسی است. ما با تحقیقاتی که کردیم متوجه شدیم که ضربه های کاری که داریم از دشمن خیلی وسیع و عمیق می خوریم، این است که ما غافل شدیم و فکر کردیم که شاه و آمریکا را بیرون کردیم، اما چه می شود که برخی از فرزندان شهدای انقلاب و برخی اساتید با سواد و مسئولین آن طرفی می شوند؟ چه می شود که برخی از مردم ما بی حجاب و رشوه خوار می شوند؟ ما با بررسی های خود ثابت کردیم که درست است که آمریکا را از کشور بیرون کردیم، اما نظام هایی که از اروپا و آمریکا برجای ماند، در کشور ما مسلط شدند و آنقدر پیشرفت کردند و توسعه یافتند که نسل های ما را این نظام های غربی و سکولار دارند تربیت می کنند. متون دانشگاهی ما، نظریات غربی و نظریات جهان سکولار است. نظامات سکولار با مبانی سکولار بر عرصه های مختلف ما مسلط شده اند. وقتی که این طور شد، همه چیز در چنگ آنهاست. گردشگری به سبک آنهاست. نهادهای فرهنگی به سبک آنهاست. فرهنگسراها به

سبک آنهاست. ورزش ما با آن قراردادهای میلیاردي به سبک آنهاست. مطبوعات و روزنامه‌ها به سبک آنهاست (در این اوضاع غزه، بعضی روزنامه‌ها در صفحه اول اسمی از آن نیاورند). سیستم تجاری و رباخواری‌ها، هنر و... به سبک آنهاست. نظامات غربی اکنون بر ما مسلط است و دارد بیشتر هم مسلط می‌شود. نیروهایمان را دارد تربیت می‌کند، اما ما دست روی دست گذاشته‌ایم.

– هدف این بحث‌های ما در روزهای پنجشنبه این است که اولاً نظامات جهان غرب و سکولار را بشناسیم، ثانیاً ایرادات این نظامات غربی را بشناسیم، ثالثاً ببینیم چگونه این نظامات، ملت، اقتصاد، هنر، علم، فرهنگ، صنعت، تجارت، بانک، روابط، سیاست، خانواده‌ها، مدارس و همه چیز ما را دارد به سمت غربی شدن و جهان کفر و سکولار می‌کشاند. لذا ما به این نتیجه رسیدیم که بیایم بحث نظام‌شناسی را اینجا طراحی کنیم و نظامات را بررسی کنیم و ضبط کنیم و به دست اهل تحقیق برسانیم و مطالعه کنند و به جامعه بگویند تا مطالبه اجتماعی در جامعه پیدا شود که کلاه ما را از جای دیگری برداشته‌اند. تا زمانی که این نظامات غربی بر ما مسلط است، نیروهای انسانی ما، طرفدار غرب شده و مثل آنها فکر می‌کنند، ظرفیتهای درون اسلام و نظامات اسلامی را اصلاً متوجه نمی‌شوند، و سعی می‌کنند با نظامات غربی، مشکلات اسلامی را حل کنند!

– ما آمده‌ایم به جامعه بگوییم که ای امت اسلام، مشکلی که شما دارید این است که نظامات جهان کفر و سکولار در رشته‌ها و عرصه‌های مختلف بر شما مسلط شده است.

### \* فلسفه تأسیس دوره آموزشی نظام‌شناسی، بررسی آسیب‌های نظامات غربی و مطرح کردن نظامات قرآنی و اسلامی به جای آنهاست

– در نتیجه فلسفه تأسیس این دوره این است که نظام‌شناسی کنیم و نظامات را یک به یک مطرح کنیم. آسیب‌های این نظامات را بررسی کنیم و در برابرش راه حل بدهیم. ببینیم آیا قرآن و مکتب اهل البیت صلوات الله علیهم اجمعین طرحی داده‌اند؟ در مکتب پرفیضان اگر نظامی ارائه کرده‌اند، آن را مطرح کنیم. اگر مطرح بوده اما اکنون ضعیف شده، آن را تقویت کنیم. اگر ناقص مانده، تکمیلش کنیم. اگر نیست، از قرآن کریم و مکتب اهل البیت (ع) استخراج کنیم و ارائه دهیم و بگوییم که اسلام همه چیز دارد: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا» (نبا: ۲۹)، «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس: ۱۲)، «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹).

– در برنامه زاویه (شبکه ۴) استاد می‌آورند که او در قالب مناظره اسلام را مسخره کند. او با غیظ می‌گوید که اسلام علم ندارد! دین چه ربطی به علم دارد! و دلایل زیاد می‌آورد. آن وقت جوان ما نمی‌فهمد که حق با کیست؟ این مربوط به اندیشه غربی است. اندیشه غربی می‌گوید که دین برای کلسیا رفتن خوب است. کربلا و مکه رفتن و حافظ قرآن شدن هم خوب است! ولی وقتی خواستی جامعه‌شناسی کنی، باید ببینی هابز چه گفته است. برای حکومت‌شناسی باید تک تک نظریات غربی را مطالعه کنی. در روانشناسی و فلسفه و صنعت و... اندیشمندان غربی مرجع تقلیدش هستند. ما باید در برابر این نظامات، نظام اسلامی را استخراج کنیم. بنابراین هر بار که ما نظامی از نظامات غربی را مطرح کردیم، نظام اسلامی جایگزین آن را هم طرح کرده‌ایم. یکی از این نظامات را که خودمان به صورت عمیق داریم روی کار می‌کنیم، استخراج نظام تعلیم و تربیت قرآنی (چه در دانشگاه و چه در مدرسه) است که بیش از ۲۰ سال مقدمات کار آن بوده و نزدیک به ۵ سال است که داریم در دوره تربیت استاد، روی آن کار می‌کنیم. اما بقیه نظامات را به صورت کلی (و نه تخصصی)، فقط آسیب‌شناسی می‌کنیم.

### \* شروع معرفی و بررسی نظام روابط بین الملل

– می‌خواهیم ببینیم نظام روابط بین الملل در نگاه اسلام چگونه است و آیا مسئولین ما در روابط بین الملل مطابق اعتقادات جمهوری اسلامی عمل می‌کنند یا مطابق عقاید جهان کفر و سکولار؟ قرآن می‌فرماید: «هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵) یعنی همه چیز تبیین و طبقه‌بندی و توضیح داده شده است. حال ما می‌خواهیم ببینیم که اسلام، روابط بین‌الملل دارد یا خیر؟

– در موضوع روابط جهانی یا روابط بین الملل، می‌خواهیم ببینیم آیا اصلاح «جهانی» در ادبیات و حیانی وجود دارد که بخواهیم در مرحله بعد، «روابط» آن را بررسی کنیم؟

### \* استضعاف، یعنی طرح و نقشه و برنامه حساب‌شده برای اینکه اهل حقیقت و اولیاء حق را ضایع و زبون و تحقیر کنند

– کلیدواژه «أرض» در ادبیات و حیانی، ۳ معنی دارد:

۱- معنای خاک: «تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتَائِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا» (بقره: ۶۱)

۲- معنای دنیا و ثروت: «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ» (اعراف: ۱۷۶) عاشق زمین و عاشق خانه و عاشق ثروت است.

۳- معنای جهان: «وَوَرُيْدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) استضعاف بر وزن استفعال است. باب استفعال، یک فاعلی می‌خواهد که با اراده و نقشه یک کاری را دنبال کند و آن را به نتیجه برساند. استضعاف، یعنی طرح و نقشه و برنامه حساب‌شده‌ای وجود دارد برای اینکه اهل حقیقت و اولیاء حق را ضایع و زبون و تحقیر کنند. ممکن است که سؤال پیش بیاید که منظور از مستضعفین، پابرهنگان و بدبخت بیچاره‌ها هستند. پاسخ این است که اینها مستضعفین واقعی نیستند، چون خیلی از این مشکلات و فقر آنها،

تقصیر خودشان است. مثلاً هروئین کشیده و خود و خانواده‌اش را بدبخت کرده و... اما اگر آن ولی حق که همه‌اش عدالت و صراط و نورانیت و پاکی است منزوی شود، او مستضعف حقیقی است. این پاسخ عقلانی به این سؤال بود. اما دلیل و پاسخ قرآنی این است که آنها قرار است وارث زمین شوند و برای همیشه حکومت «أرض» یعنی عالم در دست اینها باشد. «و لعن الله أمةً دفعتكم عن مقامكم و أزالتمكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها» (زیارت عاشورا) این رتبه و سمتی است که خدا به جایگاه اهل البیت (ع) داده است.

– کلیدواژه «أرض» در قرآن طبق «المعجم المفهرس من الفاظ القرآن الكريم» بیش از ۴۰۰ آیه مطرح شده است.  
– خدا می‌فرماید اساس روابط بین الملل بر دو اساس است:

۱- می‌خواهیم همه اولیاء حق را به مدیریت عالم برسانیم تا به صورت باثبات جهان را اداره کنند. مدیریت‌ها باید با اینها باشد.

۲- این صاحبان حق و در عین حال خود حق را از انزوا و مهجوری و استضعاف بیرون بکشیم.

\* استعانت یعنی تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی و فردیمان را بر اساس عنایات حق و بر اساس دریافت فیوضات حق باید برنامه‌ریزی و طراحی کنیم

– در نماز زمان می‌خوانیم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه:۵). در روایت داریم که پرچم حمد، مصاحبش و صاحبش حضرت مولا (عج) است. و این «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را تنها در نماز امام زمان (عج) صد بار در رکعت اول و صد بار در رکعت دوم، می‌خوانیم. یعنی حضرت صاحب الزمان (عج) صاحب پرچم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به معنی جهانی شدن است. ما در نمازمان، رکعت به رکعت به دنبال جهانی شدن هستیم.

– جهانی بودن، فرهنگ ماست و لازم نیست کسی به ما آن را یاد بدهد. خداوند از روز اول ما را جهانی به دنیا آورده و بعد روابط ما را شکل داده است:

۱- مستضعفین یعنی اولیاء حق را می‌خواهد از انزوا بیرون بکشد، لذا ما باید در این مسیر حرکت کنیم.

۲- آنها را به مدیریت برساند، پس ما باید در این مسیر کار کنیم.

۳- «و يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال:۳۹) خدا تصمیم گرفته دین خودش را حاکم کند. همه ما و همه عالم باید «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» شوند. استعانت یعنی تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی و فردیمان را بر اساس عنایات حق و بر اساس دریافت فیوضات حق باید برنامه‌ریزی و طراحی کنیم. وزارتخانه‌ها باید بر اساس «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» کار کنند. سیستم باید بر اساس «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» باشد. بانکداری باید بر اساس «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» باشد. فضای مجازی و اینترنت باید بر اساس «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» باشد. روابط خارجی باید بر اساس «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» باشد. فرهنگ و ارشاد، تجارت، ورزش باید بر اساس «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» باشد. زیرا تمامی سنی و شیعه این روایت را قبول دارند که تمامی قرآن در سوره حمد است. و آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هم در همین سوره است.

این سه تا که شد، حالا «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید:۲۵). ناس، اصطلاح جامعه‌شناسانه است. «ناس»، «بنی آدم»، «انسان» از کلیدواژه‌های قرآنی هستند که اصطلاحات فرادینی و جهانی هستند. «يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قِيَه» (انشقاق:۶)، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر:۲)، «يا أَيُّهَا النَّاسُ ... لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره:۱۶۸)، «يا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» (اعراف:۲۷). خداوند یا ایها المسلمون گفته است، بلکه یا بنی آدم فرموده است. اگر آدم هستید، بدانید که شیطان شما را بیچاره می‌کند. واژه‌ها، واژه‌های جهانی است. صحبت از متقین و مؤمنین نیست. کلیدواژه‌های درون دینی مثل «آمنوا»، «متقین»، «مؤمنون»، «ابرار»، «مجاهدین»، «عالمون»، «مؤثرین» و... هستند.

– «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید:۲۵) بعد از آن هدفها، قسط و عدل اولین مسیر و مأموریت جهانی ماست که ما برای قسط و عدل، کار کردن را شروع کنیم. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء:۱۳۵) قیام کنید، عدالت را در جهان برقرار کنید. «شُهَدَاءَ لِلَّهِ»: تا شما همه نمونه و مسطوره شوید. «یمالأ الله به الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» (شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۸۶). خداوند به وسیله حضرت مهدی (عج) قسط و عدل را می‌خواهد در جهان برقرار کند. این روایت، جهانی است. أرض و جهان باید از عدل پر شود.

\* هدف خداوند، ائمه نمودن اولیاء حق در جهان (أرض) و مأموریت ما اجرای عدل و قسط در جهان است

– آنها اهداف ما بود و خداوند آن هدف را فرموده: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص:۵) خداوند می‌فرماید من این کار پشش ایستاده‌ام و تا آخرش هم هستم. در عربی راد، یروُد یعنی، تصمیم گرفت، پیگیری کرد، تا به نتیجه برسد. کلمه اراده مصدر باب افعال است. خداوند می‌فرماید من تصمیم گرفتم، دنبال هم می‌کنم تا به نتیجه برسانم. تا آن یاران، آن اولیاء خدا، آن حقیقت پسندان، آن عارفان، آن سالکان، آن راهبان نور ملکوت را ائمه کنیم. این هدف خود خداست. اگر ما هم لایق باشیم، باید



دنبال کنیم و اگر می خواهیم در حزب خدا باشیم و طرفدار گروه حق باشیم، مأموریت با ماست و باید در عالم عدالت و قسط را اجرا کنیم. «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

### 📖 گزارش جلسه سه و ششم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۵/۱۶

**صابره:** گزارش جلسه ۳۶ نظام شناسی / استاد زاهدی: در ادبیات غربی، جهان به معنی آمریکا و چند کشور اروپایی است اما در ادبیات قرآنی، جهان (أرض) شامل کل عالم هستی است که مالک آن خداوند متعال است / اومانسیم (نفس پرستی) و کسب منفعت، مبنای حقوق بشر در نظام بین الملل غربی هستند / حقوق بشر غربی، اساس تمام ظلمها و مفاسد قدرتهای غربی در دنیا است / حقوق بشر اسلام از حق مطلق سرچشمه می گیرد نه منفعت های مالی / طبق محتوای سوره کافرون، دین به معنی نظام است و ما به هیچ وجه نباید نظامات و خرده نظام های جهان کفر را بپذیریم

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۶ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۶ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ادامه معرفی نظام روابط بین الملل» و «بررسی کلیدواژه های غربی و اسلامی در نظام بین الملل از جمله کلیدواژه های حق و حقوق، ارض و جهان» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

\* راه نجات ما این است که نظامات کفر و سکولار را بشناسیم و ببینیم که کدام نظام آنها بر ما مسلط شده، سپس در برابر آنها، نظام اسلامی مربوطه را استخراج و طراحی کنیم

- دشمن ناشناخته و پرقدرتی به نام نظامات جهان کفر و سکولار داریم که این نظامات بر عرصه های مختلف بر ما حکومت کرده و جامعه را به سمتی می کشاند که جهان کفر و سکولار می خواهد. مثل نظام ورزشی، نظام بانکی، نظام هنری، نظام علمی و ... . دشمن توانسته با تسلط این نظامها در جهان اسلام، بر مسلمین مسلط شود. اگر هم در کشور ما هنوز موفق به تسلط کامل نشده، برای این است که جمهوری اسلامی چند نظام برخاسته از اسلام را تأسیس کرده و با همین چند نظام معدود و خرده نظام های دیگر که نیمه کاره هستند، علمدار انقلاب توانسته انقلاب اسلامی را حفظ کرده و به پیش ببرد. (مثل نظام قانون اساسی، نظام شورای نگهبان، نظام ولایت فقیه، نظام دفاعی، نظام عبادی و ...). راه نجات ما این است که نظامات کفر و سکولار را بشناسیم و ببینیم که کدام نظام آنها بر ما مسلط شده و به چه طریقی مسلط شده اند. سپس در برابر آنها، نظام اسلامی مربوطه را استخراج و طراحی کنیم و به جامعه عرضه کنیم تا مجریان مربوطه، آن را اجرا نمایند. ما به افراد نالایقی که می گویند اسلام نظام ندارد، می گوئیم که اسلام نظام دارد و برای استخراج آن باید زحمت کشید. اما عده ای دوست ندارند زحمت بکشند و به دنبال بهره برداری از نظامات حاضر و آماده و منحرف غربی هستند.

- در این دوره آموزشی نظام شناسی، تاکنون چندین نظام را به صورت کلی بررسی کرده و آسیب های نظامات غربی و معرفی اندیشه های اسلامی و قرآنی در برابر آن نظامات را تبیین نموده ایم. مثل نظام علمی، نظام هنری، نظام تجاری، نظام بانکی، نظام سینمایی، نظام ورزشی، نظام خانواده، نظام دانشگاهی، نظام رسانه، نظام حزبی، نظام تعلیم و تربیت و ... .

\* در ادبیات غربی، جهان به معنی آمریکا و چند کشور اروپایی است اما در ادبیات قرآنی، جهان (أرض) شامل کل عالم هستی است که مالک آن خداوند متعال است

- می خواهیم آسیب های نظام های بین المللی تأسیس شده توسط جهان کفر و سکولار را بررسی کرده و ببینیم که معادل آن در اسلام چه نظاماتی است و چه منافعی دارد.

- اولین مطلب در نظام بین الملل: کلمه «جهان و جهانی شدن» است که در روزنامه های غرب زده و نیز از زبان مسئولین این واژه زیاد گفته می شود. در مفهوم تخصصی معانی بسیاری دارد ولی آنچه که امروزه از آن برداشت می شود جهان به معنای آمریکا و چند کشور اروپایی است. چراکه آنان جهان را بی صاحب دانسته و دنیا را به کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته تقسیم کرده اند و با نظاماتی که طراحی کرده اند جهان سوم را اداره می کنند.

- در کلیدواژه های قرآنی واژه «ارض» معادل واژه جهان و بلکه وسیع تر از آن می باشد. ارض شامل کل جهان است؛ کهکشانها، خورشید، ماه، اعماق اقیانوسها، فضا و ... جزء ارض هستند. این ارض مال کسی نیست و مالک آن حق مطلق است. یعنی هرچه علم، هرچه فضیلت، هرچه رشد، هرچه فیض و عنایت است همه متعلق به آن مالک است. حیات و زندگی از جانب آن مالک است. هر چه آبادانی وجود دارد از جانب اوست. ارض یعنی عالم ناسوت و عالم ملک که متصل به کل عالم هستی است و همه اش متعلق به حق مطلق است. همه معرفت ها و کمالات

و نورانیت‌ها و عظمت‌ها و شرافت‌ها و کبریاء و محبت و پرستاری و شفقت، و همه رحمت و رحمانیت و رحیمیت در آن حق مطلق است. در نتیجه این ارض اولاً صاحب دارد. ثانیاً ثبات دارد. ثالثاً بسیار بی نهایت است. رابعاً جهت‌گیری آن به سوی رشد و کمال و اتحاد و توحید است.

**\* قدرتهای فاسد جهانی مثل فرعون، بی ریشه و از بین رفتنی هستند**

– در رشته‌های غربی که متاسفانه در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شوند، همین کشورهای قدرتمند و فاسد را به عنوان جهان معرفی کرده و آن را علمی و واقعیت می‌دانند، در حالیکه همه این قدرت‌های جهانی سراب بوده و از بین رفتنی هستند. فرعون هم چون قدرت و ثروت بسیار داشت، جهان را بی صاحب می‌دانست و خود را پروردگار جهان معرفی می‌کرد، اما او هم از بین رفت. همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶) اینها ریشه ندارند. اینها ثبات ندارند. اینها افول می‌کنند.

– سازمان ملل، آژانس انرژی هسته‌ای، سازمان حقوق بشر، سازمان خوار و بار جهانی و... بتخانه‌هایی هستند که ملتها را فریب می‌دهند. با رسانه‌های عظیم و گسترده، همه را به تعظیم وادار می‌کنند. اینها بتخانه‌های دروغین هستند. تعریف جهان توسط آنها، هیچ ریشه و مبنایی ندارد. یک روز انگلیس صاحب اختیار جهان شد، یک روز آمریکا و در آینده نزدیک چین می‌خواهد صاحب اختیار شود. پس تعریف آنها از جهان و جهانی شدن اولاً مبنا ندارد. ثانیاً دروغ است. ثالثاً متغیر بوده و ثبات ندارد. (هر روز دست یک قدرت است.)

**\* حقوق بشر غربی، اساس تمام ظلمها و مبنای علمی مفاصل قدرتهای غربی در دنیا است**

– دومین کلیدواژه در نظام بین الملل «حقوق» است. حق در نظام بین الملل غرب به معنای «مطالبه» است. حقوق یعنی مطالباتی که بشریت از یکدیگر دارند. حال مبنای این مطالبه را چه می‌دانند؟ می‌گویند ما انسانها برترین موجود عالم هستیم، پس حق داریم هر چه بخواهیم از این عالم استفاده کنیم. اینها عالم را بی صاحب می‌دانند و هرگونه که دلشان خواست، می‌خواهند از آن استفاده کنند. نگاهشان این‌گونه است. «كُلُّ إِنَّا رَاجِعُونَ» (انبیاء: ۹۳) را نمی‌فهمند. «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴) را نمی‌فهمند. می‌گویند اعتراض و اصطکاک است که محدوده اختیارات و حقوق بین فردی را تعیین می‌کند. «يُهِلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره: ۲۰۵) همه چیز را نابود می‌کنند تا به منافعشان برسند و لذت ببرند. اگر کسی اعتراض کرد با شرکت‌ها و سازمان‌ها و رسانه‌هایشان یا آنها را فریب می‌دهند و یا با تهدید و تطمیع و زور، جلوی اعتراض را می‌گیرند. لذا حقوق بشر غربی اساس تمام ظلم‌هایشان شده است. حقوق بشر به صورت علمی، مبنای مفاصل آنها در دنیا شده است.

– حقوق بشر در نظام بین الملل غرب می‌گوید: تا زمانی که کسی به شما اعتراض نکند، هرچه می‌خواهی طبق منافع خود از جهان بهره‌برداری کن. بر همین اساس آنان در تجارت، دارو، علم، صنعت همه را غارت می‌کنند. به عنوان مثال چرا در آفریقا قحطی است و بچه‌ها با این همه منابعی که دارند می‌میرند؟ چون کشورهای غربی از منابع آنان بهره‌برداری می‌کنند و سازمان حقوق بشر کاری به این ظلم‌ها ندارد.

**\* اومانيسم (نفس پرستی) و کسب منفعت، مبنای حقوق بشر در نظام بین الملل غربی هستند**

– مبنای حقوق بشر در نظام بین الملل غربی:

۱- اومانيسم که تعریف بشر و تعریف رابطه بشر با جهان را تعیین می‌کند. اومانيسم یعنی نفس پرستی انسان. یعنی من بهترین عالم هستم و هر کاری که می‌خواهم می‌کنم و تا جایی جلو می‌روم که معارضی نداشته باشم و اگر داشتم، او را فریب می‌دهم یا صدایش را خفه می‌کنم یا به گونه‌ای عمل می‌کنم که شاکی نتواند من را پیدا کند.

۲- کسب منفعت.

این دو، اساس حقوق بشر را تعیین کرده و ظلم و تجاوز و جنایت را علمی و مشروع جلوه می‌دهند. جهان یعنی آنها و جهانی شدن یعنی زیردست شدن آنها.

**\* در اسلام، درست و غلط نداریم، بلکه حق و باطل داریم. حق یعنی رو به کمال و باطل یعنی پشت به کمال**

– ولی ریشه حقوق بشر در اسلام از حق است و همه زیبایی‌ها و کمالات و همه فضائل و همه دانش‌ها از حق است. این حقوق از آنجا سرچشمه می‌گیرد. همان‌طور که عالم ارض، متصل به حق است. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق: ۶) همه چیز به سوی حق مطلق می‌رود.

– حق و حقوق در نگاه اسلام همه آن چیزهایی است که با کمالات و زیبایی و نور مطلق، تطبیق کند. با حلم مطلق و علم مطلق و کرامت مطلق، تطبیق کند. لذا در اسلام، واقعیت با مفهوم غربی که به منزله سراب است، نداریم. بلکه حقیقت به معنی ملکوت اشیاء داریم. حقیقت یعنی گنجینه اصلی و خزائن غیب هر شیء. «وَكَذَٰلِكَ تُرَىٰ إِذْ أَنزَلْنَاهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (انعام: ۷۵). می‌گویند اسرائیل واقعیت است، باید پذیرد و باید از کنارش عبور کنید، کاری نمی‌شود کرد. در همه امور چنین نظری را دارند؛ چه حقوق بشر چه حقوق حیوان چه حقوق طبیعت.

– حقوق اسلامی: حقوقی که ترازش حق مطلق باشد. نسبت خودش را با علم و نور و حلم و رحمانیت و صمدیت مطلق تعیین کند. همه چیز اگر به سوی حق مطلق باشد، حق است و اگر نباشد، باطل است. در اسلام، درست و غلط نداریم، بلکه حق و باطل داریم. حق یعنی رو به کمال

و باطل یعنی پشت به کمال. همه چیز به سمت حق مطلق می‌رود و عالم ناسوت متصل به عالم ملکوت است و آن به آن افزوده می‌شود. پس حق و حقوق باید با آن زیبایی مطلق تطبیق کند، با آن رحمت و وسعه تطبیق کند، با آن شرافت مطلق و علم مطلق تطبیق کند. باید با حقیقت تطبیق کند.

### \* حقوق بشر اسلام از حق مطلق سرچشمه می‌گیرد نه منفعت‌های مالی

حقوق بشر اسلامی:

۱- حقوق بشر اسلام از حق مطلق سرچشمه می‌گیرد نه منفعت‌های مالی.

۲- مطالبه نیست. یعنی کسی حق ندارد تا حق فرد دیگری را بخورد، چه کسی به او اعتراض کند یا نکند. کسی حق ندارد ظلم کند، اگر کسی ظلم کند، قبل از اینکه با مظلوم طرف شود با خداوند طرف است. حتی کسی حق ندارد به خودش ظلم کند و خودکشی کند و اموالش را آتش بزند، کسی حق ندارد نسل را نابود کند. هیچکس حق ندارد ایدز را تزریق کند. می‌بینیم که مبنای حقوق بشر در اسلام چه زیباست و در منشور سازمان ملل چه فاسد و زشت است.

- در غرب همجنس بازان به بهانه حقوق بشر این کار خود را از طریق مجلس قانونی کردند در حالی که در اسلام انسان جزء ارض است و باید به سوی حق مطلق حرکت کند و هر چه قانون برای او تصویب می‌کند باید با حق تطبیق داده شود. وجود فقهای شورای نگهبان به خاطر همین است که در قانون ظلم نشود.

### \* طبق محتوای سوره مبارکه کافرون، دین به معنی نظام است و ما به هیچ وجه نباید نظامات و خرده نظام‌های جهان کفر را بپذیریم

- یکی دیگر از کلیدواژه‌های قرآنی در نظام بین الملل «نظام یا دین» است. «لکم دینکم ولی دین». دین در اینجا به معنی نظام است. قرآن می‌فرماید: شما نظام دارید ما هم نظام داریم.

- براساس سوره کافرون:

۱- ما می‌توانیم با شما زندگی مسالمت آمیز داشته باشیم، به شرطی که ظلم نکنید و زور نگوئید.

۲- به هیچ وجه نظامات و خرده نظام‌های جهان کفر و سکولار را نباید پذیرفت. مثل نظام روابط بین‌الملل، نظام هنری، نظام تعلیم و تربیت، نظام تجاری، نظام بانکی، نظام ورزشی، نظام رسانه، نظام فرهنگی و ... .

۳- «لا اعبد ما تعبدون»: نهادهای بین‌المللی مثل آژانس انرژی هسته‌ای، یونسکو، یونسف، سازمان ملل و... پرستشگاه کفر هستند و ما آنها را نمی‌پرستیم... .

### 📖 گزارش جلسه سه و هفتم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۵/۲۳

**صابره: گزارش جلسه ۳۷ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: مبانی نظام بین الملل از دیدگاه اسلام: حق، قسط و عدل، حزب الله و حزب الشیطان، ولایت / در نظام روابط بین الملل اسلام، امام زمان (عج) ولی است / سرمایه داری یعنی توجه به تولید، محرومین، ابتکار، عدالت و تعاون، اما سرمایه سالاری یعنی توجه به شکاف طبقاتی، اسراف، رباخواری، دنیاپرستی، فساد و رشوه / جهان کفر و سکولار، جهانی شدن را به عنوان غصب اموال و به بردگی کشاندن ملت‌ها قبول دارند**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۳۷ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۳ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «مبنای نظام بین الملل از نگاه جهان کفر و سکولار و نگاه اسلام» و «تفاوت‌های سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* سرمایه داری یعنی توجه به تولید، محرومین، ابتکار، عدالت و تعاون، اما سرمایه سالاری یعنی توجه به شکاف طبقاتی، اسراف، رباخواری، دنیاپرستی، فساد و رشوه

- تفاوت‌های سرمایه داری و سرمایه سالاری:

سرمایه داری	سرمایه سالاری
توجه به تولید بیشتر و اشتغال زایی و تعاون	پول بیشتر، احترام بیشتر
توجه به محرومین و رشد اسلام	شکاف طبقاتی و رشد تورم
همه چیز اندازه گیری شده و با برنامه	گسترش اسراف
پرورش نیروی کار	رواج ربا خواری
آقایی فکر و تلاش و نیروی انسانی	آقایی پول
کنترل تورم	رشد تورم
توجه به تولید	توجه به دنیا
گسترش فرهنگ کار، برنامه ریزی و اشتغال	گسترش فرهنگ طاغوتی و ارباب رعیتی
سوق دادن جوانان به کار و ابتکار	سوق دادن جوانان به پشت میزنشینی و تنبلی
فرهیخته شناخته شدن صاحبان فکر و اندیشه	فرهیخته شناخته شدن آقازاده ها
همفکری تعاون و عدالت	گسترش فساد و رشوه
وطن دوستی و تولید علم و پشتیبانی از مسئولان خادم و پناهگاه قرار گرفتن مساجد	خیانت و ارتباط با دشمن و براندازی مسئولین عادل و ابزار ساختن مساجد

– ما اگر چه طاغوت را بیرون کردیم، اما نظاماتشان بر ما حکومت می کند.

– دستور قرآن است که عالم به دین خود شویم و ریشه بسیاری از فسادها از جمله بی حجابی ها را بفهمیم.

**\* نظام ورزشی به گونه ای است که به جای ورزشکار، تولید تماشاچی می کند**

– آسیب شناسی نظام ورزشی: نظام ورزشی به گونه ای است که به جای ورزشکار، تولید تماشاچی می کند. آیا وجود باشگاه هایی با سرمایه های میلیاردی صرفاً برای جذب بازیکن ها از نظر شرعی اشکال ندارد؟

**\* جهان کفر و سکولار، جهانی شدن را به عنوان غصب اموال و به بردگی کشاندن ملت ها قبول دارند**

– مفهوم «ارض»، کل عالم و کیهان ها را در بر می گیرد. در حالیکه جهان از نظر سکولار تنها همین زمین دنیاست و جهانی شدن را در غصب اموال و استضعاف ملت ها می دانند. جهانی شدن به معنی به بردگی کشاندن ملت ها را قبول دارند. اما خداوند می خواهد که علم و حکمت در سراسر جهان منتشر شود.

– با توجه به دعای جامعه کبیره در عباراتی همچون "بکم ينزل الغيث" می فهمیم که تمام امورات با ولایت انجام می پذیرد.

**\* مبانی نظام بین الملل از دیدگاه اسلام: حق، قسط و عدل، حزب الله و حزب الشیطان، ولایت**

– مبنای روابط بین الملل از دیدگاه اسلام:

اول – مبنای اصلی نظام بین الملل؛ حق می باشد: آیه «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسرا: ۸۱) پوچی ذاتی باطل را بیان می کند. ولی این به معنای مسامحه در قیام علیه باطل نیست. در مذاکرات هم باید مبنا حق باشد. همه درگیری و اختلافات بر مبنای باطل است. هر جا باطل باشد، اسلام با آن می جنگد.

دوم – مبنای مأموریت نظام بین الملل؛ قسط و عدل است. عدل مفهومی عام و قسط مصداق آن است. این مبنا به این معناست که تمام تفاهم نامه های ما باید بر اساس قسط و عدل باشد.

سوم – مبنای صف بندی ها در نظام بین الملل؛ حزب الله و حزب الشیطان است: قرآن معیار حزب الله بودن را ترجیح حق بر هر منفعت شخصی می داند. حزب الله پیروز معرفی شده: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲). همچنین حزب الله با دشمنان خدا دوستی نمی کنند. دشمن عام طاغوت نام دارد. هر نوع نظام منحرف، سرکشی، طغیان و تجاوز طاغوت نام دارد. شیطان، دشمن خاص است.

چهارم – مبنای مدیریت و رهبری در نظام بین الملل؛ ولایت است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷). در اسلام این شاخصه با عنوان «ولی و ولایت» مطرح شده است. این کلمه بیش از ده معنی را در خود دارد که مفاهیم پرستار، راهنما، تکیه گاه، رهبر، فرمانده، مدافع، دلسوز، مرشد، رئیس خانواده و... از آن جمله است. در روابط بین الملل، امام زمان (عج) ولی است. اما در دیدگاه غربی برای مدیریت جهانی توسط آمریکا از واژه کدخدا استفاده می کنند که اصلاً بار معنایی «ولی» را ندارد.



\* نظام روابط بین الملل غرب، نظام‌هایی که سامان داده را «ولی» خود می‌داند، بنابراین هر جا این نظام‌ها نفوذ کرده، نشانه کفر در آن سرزمین می‌باشد

– طبق آیه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره: ۲۵۷) نظام روابط بین الملل غرب، نظام‌هایی که سامان داده (نظام رسانه، هنری، ورزشی و...) را «ولی» خود می‌داند. بنابراین هر جا این نظام‌ها نفوذ کرده است، نشانه کفر در آن سرزمین می‌باشد....

### 📖 گزارش جلسه سه و هشتم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۵/۳۰

**صابره: گزارش جلسه ۳۸ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: مبنای روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام، حق (قسط و عدل) است و از دیدگاه نظام کفر و سکولار، منفعت یا منافع می‌باشد / منفعت طلبی از دیدگاه جهان کفر و سکولار، زمینه ساز تقلب، تجاوز، خیانت، مظلوم‌کشی، هوای نفس، ناامنی و ناآرامی در جهان است / از دیدگاه اسلام، حق زمینه‌ساز سلامت، تعاون، آگاهی، مهربانی، زیبایی‌ها، نجات از بحران‌ها و پیشگیری از خطرات و انحرافات است**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۳۸ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ادامه تبیین نظام روابط بین‌الملل» و «معرفی مبنای روابط بین‌الملل از دیدگاه جهان کفر و سکولار و دیدگاه اسلام» پرداختند. در ادامه رؤس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

#### \* اسلام صدها سال زودتر از غرب به فکر روابط بین‌الملل بوده است

– ما از آیات قرآن که متقن‌ترین دلیل و استناد است، نشان دادیم که خداوند چقدر درباره جهانی‌شدن صحبت کرده، در حالی که در آن زمان، اروپا در توحش بوده است. اسلام، جهانی‌شدن را هدف گرفته تا به سوی حق و حقیقت هدایت نماید. در نتیجه در اسلام، هم جهانی‌شدن و بین‌الملل قابل فهم است و هم صدها سال زودتر از غرب، اسلام به این فکر بوده است. پیامبر (ص) به امپراطوری ایران و روم و پادشاه حبشه، سفیر فرستاد. حال متأسفانه عده‌ای در برنامه زاویه (شبکه ۴) می‌گویند که مدینه در اندازه یک روستا بوده! و لذا اسلام روابط بین‌الملل ندارد! باید به آنها گفت که اسلام یک نرم افزار است و اقیانوس اقیانوس آثار عظیم معرفتی دارد و نباید آن را سخت افزاری (مقایسه با روستا) بسنجند. آنها قصد توهین و تحقیر دارند و علم را با روستا می‌سنجند!

#### \* روابط فرهنگی، روابط سیاسی، روابط اقتصادی، روابط دفاعی، روابط حقوقی و... اساس روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند

– روابط بین‌الملل به طور تقریبی به هشت رشته تقسیم می‌شود که این هشت رشته اساس روابط بین‌الملل می‌باشند:

۱- روابط فرهنگی شامل ادیان، موسیقی، هنر، کنفرانس‌های مربوط، موزه‌ها، گردشگری، آثار تاریخی، تئاتر و سینما، نویسندگان، نمایشنامه‌ها، نقاشی، مجسمه‌سازی، شهرها و مراکز دیدنی جهان و... .

۲- روابط علمی شامل دانشگاه‌ها، پژوهشگران، مقالات علمی، کتب، بورسیه‌ها، کنفرانس‌ها، اختراعات و اکتشافات و... .

۳- روابط سیاسی شامل کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها، معاهدات، پیمان‌ها و... .

۴- روابط اقتصادی و تجاری

۵- روابط پولی و بانکی شامل بانک جهانی و... .

۶- روابط دفاعی و مانورهای نظامی مثل پیمان‌های دفاعی (ناتو) و... .

۷- روابط حقوقی شامل حقوق مالی، حقوق جغرافیایی، حقوق جنگی، حقوق صنعتی و... .

۸- مدیریت بین‌الملل

– با توجه به روابط هشت‌گانه فوق، نظام روابط بین‌الملل غرب برای هریک از آنها سازمانی را طراحی کرده است مانند سازمان یونسکو برای روابط فرهنگی، سازمان یونیسف برای روابط علمی، سازمان ملل برای روابط سیاسی یا معاهدات عمومی جهانی.

#### \* منفعت یا منافع، مبنای روابط بین‌الملل از دیدگاه نظام کفر و سکولار می‌باشد

– هر یک از جوامع برای تشکیل روابط بین‌الملل خود دارای اساس و مبنا می‌باشند، مبنای تمام هشت عنوان فوق از دیدگاه نظام کفر و سکولار، منفعت یا منافع است و از دیدگاه اسلام، حق (قسط و عدل) است.

#### \* منافع یا منفعت از دیدگاه غرب، نامحدود بوده و ریشه آن از اومانیسم است

بر اساس مبانی کفر و سکولار، روابط بین‌الملل بر پایه منافع است. اما این منافع:

۱- تعریف نشده است.

۲- نامحدود است؛ زیرا محدوده‌های آن برای غربی‌ها تعریف نشده است. مشخص نیست مرزش کجاست و تا کجا قرار است پیش برود. «حد» منفعت تا آنجایی است که متعرض پیدا شود و اگر متعرض پیدا نشود، کسب منافع و چپاول ادامه خواهد داشت.

۳- ریشه‌اش از اومانیسیم به معنای نفس پرستی است. (اومانیسیم به معنی انسان پرستی نیست، بلکه به معنی نفس پرستی انسان است)

**\* ویژگی‌های ۸ گانه منافع یا منفعت از دیدگاه جهان کفر و سکولار**

منافع یا منفعت از دیدگاه جهان کفر و سکولار، به چه چیزهایی بستگی دارد؟

۱- منافع یا منفعت به میزان هوس‌ها و تمایلات متجاوز بستگی دارد.

۲- به توان علمی و امکانات استدلالی متجاوز بستگی دارد.

۳- به خیانت و کلاهبرداری متجاوز بستگی دارد.

۴- به قدرت نظامی و اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و... متجاوز بستگی دارد.

۵- به دست نشانده کردن مسئولین طرف مقابل بستگی دارد.

۶- به خریدن دادگاه‌ها و قاضی‌های بین‌المللی بستگی دارد.

۷- به عدم آگاهی طرف مقابل بستگی دارد.

۸- به توان اعتراض از طرف مقابل بستگی دارد.

- اگر این ۸ ویژگی نباشد، منافع هیچ تعریفی پیدا نمی‌کند و ماهیت و باطن آن مشخص نمی‌شود. معلوم نخواهد شد که چگونه باید جلوی منافع آن‌ها گرفت. منافع با این ۸ ویژگی مشخص شد.

**\* امتیازاتی که کشورها در برابر منفعت طلبی دشمنان باید داشته باشند**

کشوری که می‌خواهد مقابل منافع دشمن (یا همان تجاوز) بایستد باید ۸ امتیاز داشته باشد

۱- از تعرض و تجاوز طرف مقابل آگاه باشد.

۲- بتواند آگاهی خود را از تجاوز طرف مقابل به صورت کارشناسانه و برهانی و اثباتی مطرح کند.

۳- صدای خود را بتواند برساند و توانایی مطالبه داشته باشد.

۴- زیرک باشد.

۵- مراقبت داشته باشد تا به عنوان رفاقت، سرش را کلاه نگذارند و او را فریب ندهند.

۶- خیانتی از طرف عوامل داخلی دشمن پرست در کار نباشد.

۷- خیانتی از طرف دادگاه‌های بین‌المللی نباشد.

۸- طرف مقابل با زور خود، نتواند صدا را خفه نکند. (از طریق تطمیع، تهدید، رسانه)

**\* منفعت طلبی از دیدگاه جهان کفر و سکولار، زمینه ساز قلب، تجاوز، خیانت، مظلوم کشی، هوای نفس، ناامنی و ناآرامی در جهان است**

ضررهای منفعت طلبی با دیدگاه جهان کفر و سکولار

۱- زمینه ساز دوری از عقل و منطق است.

۲- زمینه ساز قلب است.

۳- زمینه ساز تجاوز است.

۴- زمینه ساز زورگویی است.

۵- زمینه ساز خیانت است.

۶- زمینه ساز تحقیر، استثمار و استعمار است.

۷- زمینه ساز سقوط اخلاقی است.



۸- زمینه ساز جنگ‌ها و اختلافات است.

۹- زمینه ساز دورویی و سیاست‌بازی است.

۱۰- زمینه ساز پیمان شکنی و نامردی است.

۱۱- زمینه ساز مظلوم کشی است.

۱۲- زمینه ساز قدرت طلبی است.

۱۳- زمینه‌ساز عدم اعتماد است.

۱۴- زمینه‌ساز هوای نفس است.

۱۵- زمینه‌ساز ناامنی و ناآرامی در جهان است.

۱۶- زمینه‌ساز نابودی محیط زیست و فضا و دریاها و... است.

۱۷- زمینه‌ساز افسردگی در جهان است.

۱۸- زمینه‌ساز حقوق بین الملل است.

۱۹- ...

با این اوصاف متأسفانه در حال حاضر در دانشگاه‌های ما، اساتید رشته دکترای علوم سیاسی، منافع را جزو شاخص‌های تعریف روابط بین الملل دانسته و تدریس می‌کنند! در حالیکه این کلمه بی ریشه و نامشخص و نامحدود است. منافع ۳ شاخص دارد:

۱- شاخص تجاوزاتی که متجاوز به نام منفعت‌طلبی می‌خواهد انجام دهد.

۲- شاخص توانایی‌هایی که معترض باید داشته باشد تا بتواند جلوی متجاوز را بگیرد.

۳- شاخص زمینه‌سازی برای هر چه بیچارگی و فساد و نابودی در جهان است.

- حال دو سؤال پیش می‌آید:

۱- آیا اسلام با جهان کفر می‌تواند ارتباط داشته باشد و قرارداد ببندد؟

۲- محور و اساس آن ارتباط چه باید باشد؟

پاسخ سؤال اول:

رسول خدا(ص) به قبائل و شهرها و امپراطوران جهان سفیر فرستاد. لذا از دیدگاه اسلام، روابط با جهان کفر مانعی ندارد. حتی معاهدات هم انجام شده است. وقتی رسول خدا(ص) از مدینه می‌خواستند به مکه بیایند، کفار جلوی آنها را گرفتند و معاهده بستند که مسلمانان امسال نیایند و سال بعد به مکه بیایند. حضرت هم قبول کرد و نیمه کاره از حج بازگشتند. برخی مسلمانان هم ناراحت شدند. البته این عهد، مبنای فتوحات سیاسی بزرگی هم شد. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ» (نحل: ۹۱). «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ... فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ» (توبه: ۴) اگر معاهده بستید با مشرکین، وفا کنید به عهدتان و تا آخر سر قولتان بایستید. «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ» (انفال: ۵۶) حال اگر نامردی کردند و عهدشان را شکستند، شما هم عدتان را بشکنید. لذا با کسانی که ظلم نمی‌کنند و قصد آسیب‌رسانی ندارند، می‌توان معاهده بست.

پاسخ سؤال دوم:

طبیعی است که دشمن برای روابط، بر مبنای منافع (طی ویژگی‌های ۸ گانه که ذکر شد) جلو می‌آید. اما مبنای اسلام برای روابط «حق» است که توضیحات آن در ادامه می‌آید.

**\* منفعت در نظام قرآنی، «حق» است و مبنای اسلام برای معاهدات و روابط بین الملل «حق» است**

تعریف منفعت در نظام قرآنی

منفعت در نظام قرآنی، «حق» است. به عبارت دیگر مبنای اسلام برای معاهدات و روابط بین الملل «حق» است.

**\* بر مبنای اسلام، حق به معنی نازله‌ای از انوار حق تعالی، باطن هستی، نور و بصیرت، راهنمای عقل، معیار و عیار برای هر حرکتی و اصلی‌ترین زیربناست**

حق چیست؟

۱- حق، منطق صحیح است.

۲- حق، نظم است.

۳- حق، باطن هستی است.

۴- حق، مشرف بر هستی است.

۵- حق، روشن و شناخته شده و معروف است.

۶- حق، راهنمای عقل مهذب است.

۷- حق، یار مهربان و آگاه است.

- ۸- حق، نور است.
  - ۹- حق، بصیرت است.
  - ۱۰- حق، علم است. (عالمانه‌ترین و عاقلانه‌ترین زمینه‌ها، هر جا باشد، آن حق است)
  - ۱۱- حق، اصلی‌ترین زیربناست.
  - ۱۲- حق، هادی است. (جهل و منفعت ما را هدایت نمی‌کند ولی حق ما را جلو می‌برد)
  - ۱۳- حق، معیار و عیار برای هر حرکتی است.
  - ۱۴- حق، ذاتاً متصل به ذات حق تعالی است.
  - ۱۵- حق، توخالی نیست و خلأ ندارد و صمدیت دارد و باطل نمی‌تواند به آن وارد شود.
  - ۱۶- حق، پاک است و به دور از هر آلودگی است.
  - ۱۷- حق نجات‌بخش است.
  - ۱۸- حق، امام و مرشد است.
  - ۱۹- حق، نرم‌افزار است.
  - ۲۰- حق، روح عدل و قسط است.
  - ۲۱- حق، نازله‌ای از انوار حق تعالی است.
- \* حق زمینه‌ساز سلامت، تعاون، آگاهی، مهربانی، زیبایی‌ها، نجات از بحران‌ها و پیشگیری از خطرات و انحرافات است**

مأموریت‌های حق



- ۱- حق، زمینه‌ساز نشاط است.
  - ۲- حق، زمینه‌ساز سلامت است.
  - ۳- حق، زمینه‌ساز تعاون و یاری یکدیگر است.
  - ۴- حق، زمینه‌ساز آگاهی‌هاست.
  - ۵- حق، زمینه‌ساز قسط و عدل است.
  - ۶- حق، زمینه‌ساز مهربانی و دوستی است.
  - ۷- حق، زمینه‌ساز بلوغ و رشد و ترقی انسان‌هاست.
  - ۸- حق، زمینه‌ساز حفظ محیط زیست است.
  - ۹- حق، زمینه‌ساز زیبایی‌هاست.
  - ۱۰- حق، زمینه‌ساز عظمت‌ها، شکوه و جلال است.
  - ۱۱- حق، زمینه‌ساز هرگونه قانون عقلایی صحیح و مبتنی بر عقل مهذب است.
  - ۱۲- حق، زمینه‌ساز آینده روشن برای بشریت است.
  - ۱۳- حق، زمینه‌ساز نجات از بحران‌هاست.
  - ۱۴- حق، زمینه‌ساز پیشگیری از خطرات و انحرافات است.
  - ۱۵- حق، زمینه‌ساز روابط صحیح انسان‌ها با یکدیگر است.
- بنابراین «حق» بالاترین منفعت حقیقی است. منفعت غربی، دروغین است و همه‌اش گناه و فریب و تخریب است.

**\* تجلی دنیایی و بیرونی حق، قسط و عدل است**

تجلی دنیایی حق، قسط و عدل است

حق، روح و باطن هستی و نازله‌ای از انوار حق است و اگر حق بخواهد، صورت دنیایی پیدا کند و وارد عالم ناسوت شود، به شکل قسط و عدل متجلی می‌شود؛ «یَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» (شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۹۸) عدل به منزله نرم افزار و قسط به منزله فعل آن است. تعریف قسط:

قسط به معنای برابری، رعایت حقوق متقابل، عمل به عدل، پیشگیری از حق‌کشی، پرهیز از خیانت، دوری از تقلب، پرهیز از قدرت‌طلبی و همراهی و هماهنگی با منطق و عقل مهذب است.

تعریف عدل:



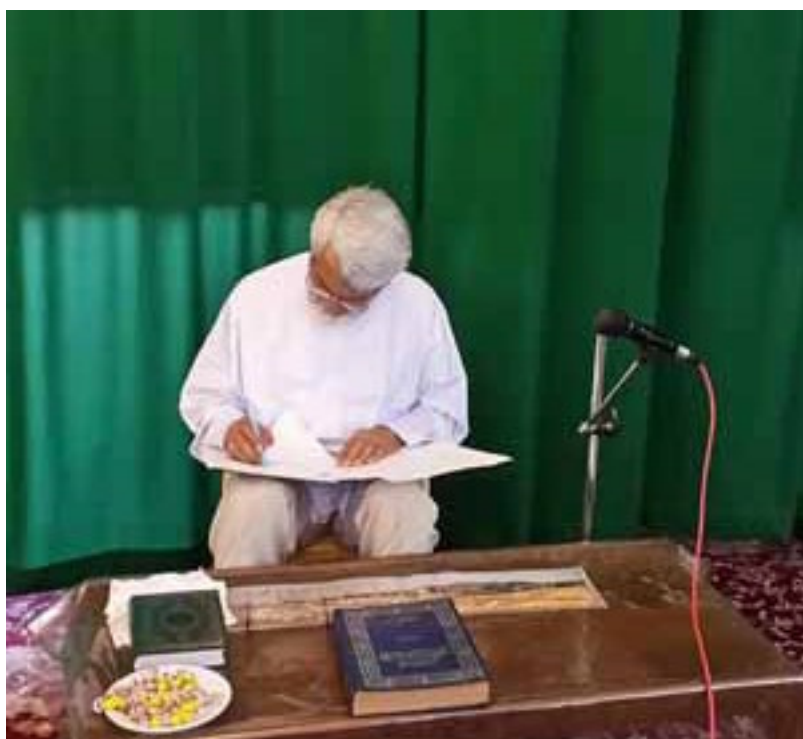
عدل اساس صحت عمل است، «العدل ما وضع الشيء في موضعه»، عدل عدم تخلف است، عدم تجاوز است، توجه به حقیقت عمل است، توجه به رضای خداست، هماهنگی با حرکت هستی است، ترازوی منطق صحیح است، هماهنگی با ملکوت است... .

### 📖 گزارش جلسه سه و نهم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۶/۰۶

**صابره:** گزارش جلسه ۳۹ نظام شناسی / استاد زاهدی: مبنای روابط بین الملل در اسلام، حق است و در جهان کفر و سکولار، باطل است / مشخصات باطل بر اساس قرآن: تاریک و مبهم، مبدأ پیدایش شهوات و هوای نفس، خلاف علم حقیقی و نورانیت و بصیرت، همچون سراب و حباب فریبنده، بی پایه و بی دوام و از جنس دروغ و فریب... / مأموریت روابط بین الملل از نگاه اسلام، عدل و قسط و از نگاه کفر و سکولار، ظلم و جور است / رهبری از نگاه اسلام، «ولایت» است و از نگاه جهان کفر و سکولار، «مدیریت» است به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۹ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۶ شهریور ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «روابط بین الملل از نگاه جامعه کفر و سکولار و جهان اسلام» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

\* مبنای روابط بین الملل در اسلام، حق است و در جهان کفر و سکولار، باطل است / شاخصه های باطل در منافع جهان کفر و سکولار مشهود و متجلی است

- همان گونه که در جلسه گذشته مطرح شد، روابط بین الملل حداقل دارای هشت نوع رشته می باشد که هر کدام، سازمان ها و تشکیلات عظیمی را در بر می گیرد، این روابط شامل؛ روابط علمی، روابط فرهنگی، روابط سیاسی، روابط اقتصادی و تجاری، روابط پولی و بانکی، روابط دفاعی، روابط حقوقی و روابط مدیریت بین الملل است. یکی از سؤالات مطرح شده در جلسه گذشته این بود که نظام جهان کفر و سکولار روابط خود را با چه مبنایی تعریف نموده است و آن را بر چه اساسی شکل می دهد و نظام اسلامی روابط خود را بر چه مبنایی شکل خواهد داد؟



مبنای روابط بین الملل در اسلام حق است یعنی منافع در اسلام مشخصاتی دارد که شاخص های آن با تعریف حق تطبیق می کند به عبارتی ویژگی هایی که در حق وجود دارد در کلید واژه منافع در نگاه اسلام نیز متجلی است.

با توجه به ویژگی های حق و مأموریت های حق که در جلسه قبل (جلسه ۳۸) گفته شد، مشاهده می شود که تمام منافی که در اسلام مطرح است همه نشانه های حق را با خود داشته و فرزند حق است. یعنی اگر حق نظم است آن منفعت هم نظم است، اگر حق روشن و معروف است آن منفعت هم روشن و معروف است. اگر حق راهنمای عقل مهذب است آن منفعت هم بر مبنای عقل مهذب است. اگر حق امام و مرشد است آن منفعت هم امام و مرشد است، اگر حق زمینه ساز نشاط است آن منفعت هم زمینه ساز نشاط است، اگر حق زمینه ساز قسط و عدل است، منافع اسلامی قرآنی هم زمینه ساز قسط و عدل است و اگر حق زمینه ساز دوستی و مهربانی است منافع اسلامی و قرآنی زمینه ساز دوستی و مهربانی است. یعنی تمام نقاط وجودی منافع در هر عرصه ای با حق تطبیق می کند، بنابراین منافع در کسب و کار، در مدیریت، در سیاست، در تعلیم و تربیت و... همه نشانی حق را دارند. اما این نشانی ها در منافع کفر و سکولار وجود ندارد و منافع غرب ظاهرش مانند حباب و سراب است که به حقیقت شبیه بوده اما پوچ و تو خالی است. در نتیجه از منافع آنها جز خطر، ضرر و نابودی با وجود ظاهر فریبنده، خبری نیست.

با توجه به ویژگی های منافع کفر و سکولار و مأموریت های منافع غربی که در جلسه قبل (جلسه ۳۸) گفته شد، مشخص می شود که در جهان کفر منافع ویژگی های حق را ندارد و بر اساس باطل است. یعنی شاخصه های باطل در منافع جهان کفر و سکولار مشهود و متجلی است.

\* مشخصات باطل بر اساس قرآن: تاریک و مبهم، مبدأ پیدایش شهوات و هوای نفس، خلاف علم حقیقی و نورانیت و بصیرت، همچون سراب و حباب فریبنده، بی پایه و بی دوام و از جنس دروغ و فریب...

۱- باطل مبهم است.

۲- باطل تاریک است.

۳- باطل خلاف عقل مهذب یا عقل قدسی است.

۴- باطل مبدأ میل در پیدایش شهوات و هوی نفس است.

۵- باطل مبتنی بر اوهام است و بر هیچ منطقی استوار نیست.

۶- باطل خلاف علم حقیقی و نورانیت و بصیرت است.

۷- باطل خلاف برهان و منطق است.

۸- باطل فضای تردد و عملیات شیطان است.

۹- باطل بدون عمق و ظاهر فریب است.

۱۰- باطل مثل حباب و سراب است.

۱۱- باطل از جنس دروغ و فریب است.

۱۲- باطل بی پایه و بی دوام است.

۱۳- باطل موجب اختلاف است.

۱۴- باطل موجب جنگ‌ها و خونریزی‌هاست.

#### \* مأموریت‌های باطل

باطل زمینه ساز اختلاف و درگیری است، زمینه ساز هوش و هیجان نفسانی است، زمینه ساز بحران‌هاست.

#### \* آیه مذاکره

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه: ۸)

بدین مفهوم که خداوند ما را از مذاکره و مفاهمه نهی نمی‌کند، البته با کسانی که کودکان و زنان را در غزه نکشته باشند، حادثه ۷ تیر را به وجود نیاورده باشند، ۸ سال جنگ را تحمیل نکرده باشند، با اساس دین و انقلابمان مشکل نداشته باشند، مسلمانان را از خانه خود (فلسطین و میانمار) بیرون نکرده باشند و... اگر این شرایط را داشتند، عادلانه و با قسط با آنها می‌توان مذاکره کرد. در حال حاضر اوباما گفته که قبل و بعد از مذاکرات، با اسرائیل مشورت می‌کند. حال، آیا می‌شود با اسرائیل، بازی برد-برد داشت؟!

- از ضرورت‌های شناخت نظام این است که بر هر فرهیخته‌ای لازم است تا نظامات دشمن را شناخته و متوجه آسیب‌های آن شود و از سوی دیگر نظام اسلامی را نیز بشناسد و منافع آن را بداند. زیرا هم اکنون با وجود آن که دشمن حضور فیزیکی ندارد، اما نظاماتش نه تنها باقی مانده بلکه روز به روز در حال توسعه می‌باشد و از طریق آن نظاماتش در کشور ما مسلط است. مانند نظام بانکی، نظام رسانه‌ای و... سه شاخصه روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام و کفر و سکولار

(الف)

#### \* مأموریت و مبنای روابط بین‌الملل از نگاه اسلام، عدل و قسط و از نگاه کفر و سکولار، ظلم و جور است

- مأموریت و مبنای روابط بین‌الملل از نگاه اسلام، عدل و قسط می‌باشد.

- مأموریت و مبنای روابط بین‌الملل از نگاه کفر و سکولار، ظلم و جور است.

جور به معنی تبعیض و رانت خواری و حق‌کشی است. جائز، فردی است که به نفع شخص خاص، حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارد. از این رو اشخاصی که پارتی بازی می‌کنند جائز می‌باشند.

(ب)

#### \* صف بندی در نگاه اسلام حزب الله است و در نگاه کفر و سکولار، حزب

#### الشیطان است

- در روابط بین‌الملل، صف بندی وجود دارد. صف بندی در نگاه اسلام حزب الله است و در نگاه کفر و سکولار، حزب الشیطان است. در صف بندی اسلام تمام ویژگی‌های عدل و قسط و حق و حقیقت متجلی می‌باشد



و در صف آرای کفر تمام ویژگی‌های باطل متجلی است.

\* رهبری از نگاه اسلام، «ولایت» است و از نگاه جهان کفر و سکولار، «مدیریت» است

- در روابط بین الملل موضوع رهبری وجود دارد. رهبری از نگاه اسلام، ولایت است. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷) رهبری از نگاه جهان کفر و سکولار، مدیریت است.

ولی به معنی پرستار و سرپرست، دلسوز، مرشد، روزی ده، هادی، فرمانده، دوست صمیمی، مدافع و... است. اما مدیر، این معانی را در بر نمی گیرد و بین مدیر و مُدار هیچ گونه رابطه ای برقرار نمی باشد. ولیّ مراقب ماست و ما را راهنمایی می کند اما مدیر به دنبال حقوق خودش است. نمونه عینی ولیّ دلسوز، وجود مبارک حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است...

### 📖 گزارش جلسه چهارم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۶/۱۳

**صابره: گزارش جلسه ۴۰ نظام شناسی / استاد زاهدی: در ادبیات اسلامی، منظور از غرب، غرب فرهنگی است که از از غروب و افول می آید و تاریکی و پلیدی به دنبال دارد، در حالی که واژه شرق از اشراق می آید که نور، حیات و روشنایی می آورد / رهبری در روابط بین الملل از نگاه قرآن به دست امامت است و از نگاه جهان کفر و سکولار به دست کدخدا و مدیر است / فمینیسم، یونسکو، حقوق بشر، ورزش و... از برندهای جهان کفر و سکولار برای روابط فرهنگی هستند / پرقدرت ترین فلسفه جهان کفر و سکولار، اومانیزم است که پوچ و توخالی است / غرب در فرهنگ خودش اگر بگوید حقوق بشر برند آن اومانیزم است، اگر بگوید روانشناسی برند آن پوزیتیویسم است، اگر بگوید آزادی برند آن لیبرالیسم است**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۴۰ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ضرورت نظام شناسی» و «معرفی برندهای روابط بین الملل فرهنگی» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:



\* بدون نظام شناسی، دشمن شناسی محال است

- در بحث نظام شناسی از نگاه اسلام به این نتیجه رسیدیم که اولاً بدون نظام شناسی، دشمن شناسی محال است. ثانیاً بدون نظام شناسی، در جریان مبارزه با دشمن، شکست ما حتمی خواهد بود.

- از جمله آثار و عواقب عدم نظام شناسی این است که با وجود آنکه دشمن در خانه و کشور ما خیمه زده، اما ما دشمن را نمی شناسیم. نمونه بارز تسلط نظامات دشمن نفوذ آنان در زندگی افراد متدینی است که خودشان مدافع انقلاب و بعضاً از علما و روحانیون می باشند ولی فرزندان یا در سنگر مقابلند و یا طرفدار اندیشه های غرب و غربزدگی می باشند و دچار گرفتاری های فکری سنگینی هستند.

\* بر اساس آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِين» غرب نظام خاص خود را داشته و اسلام هم نظام خاص خود را دارد

- بر اساس آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِين» (کافرون: ۶) هر دینی نظام خاص خودش را دارد. یعنی غرب نظام خاص خود را داشته و اسلام هم نظام خاص خود را دارد. معنی دین فقط یک سری اعتقادات معنوی نیست. بلکه دین خود، دارای نظام است. آنجا که خدا می‌فرماید «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه: ۴) یعنی خدا مالک کل نظام خلقت است، مالک ذرات و آنات کل خلقت از اول تا پایان قیامت است، مالک نظام قوانین حاکم بر خلقت (حقایق) است، مالک روابط داخل خلقت است. مالک شؤون و عرصه‌های حیات در کل خلقت است.

\* غرب، آزادی را با طعم اومانیسیم و دموکراسی با طعم لیبرالیسم معرفی می‌کند

- بنابراین هر کس فکر کند که جهان غرب و کفر و سکولار نظام ندارد و دارای آزادی است و کاری به کسی ندارند، در اشتباه بزرگی است. زیرا غرب اسم آزادی را می‌آورد اما با طعم اومانیسیم، پلورالیسم.

- اسم دموکراسی را می‌آورند ولی با طعم لیبرالیسم. غرب دموکراسی‌ای می‌خواهد با طعم جامعه مدنی؛ جامعه مدنی که هابز ایده‌پرداز آن است. آنها جامعه مدنی می‌خواهند با طعم خردگرایی؛ خردگرایی از نظر جهان کفر و سکولار یعنی فرار از عقل قدسی یا عقل ملکوتی و مهذب. غرب اسم ذهن را خرد گذاشته است در حالی که در ذهن پایه‌های فلسفی وجود ندارد و دریافت‌هایش توسط حواس پنجگانه است. به همین دلیل است که در ذهن براهین ملکوتی جا ندارد؛ در حواس پنجگانه عشق و یقین و ایمان شناخته شده نیست و جایگاهی ندارد.

\* علم با طعم خردگرایی، مد نظر غرب و غربزده‌ها است نه با طعم عقل ملکوتی و قدسی

- لذا علم با طعم خردگرایی، مد نظر غرب و غربزده‌ها است نه با طعم عقل ملکوتی و قدسی. یعنی آنها دنبال علمی هستند که از این حواس بیرون بیاید و از این حواس نیز جز منفعت‌طلبی چیزی در نمی‌آید. این حواس عشق و ایثار را نمی‌فهمد، ولی غرب از طریق این حواس به دروغ نام سکس را عشق گذاشته و این در حالی است که عشق از این جنس نبوده و موضوعی است قلبی. در علم با نگاه غربی، قلب جایگاهی ندارد و محور مباحث هیچ دانشگاهی نیست و آن را به عنوان مرکز ادراکات عالی انسانی نمی‌شناسند؛ بنابراین در علم با طعم خردگرایی، محور مغز و ذهن است و ابزار آن فقط حواس پنجگانه است که هیچ کدام از اینها نمی‌تواند ادراکات عالی انسانی را بر عهده بگیرند.

- در ادراکات حسی مودت، محبت و ایثار جایگاهی ندارد. در حالی که در نظام اسلامی انسانها معنی ایثار را به راحتی می‌فهمند «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹)

\* در فضای کفر و سکولار تمام کلیدواژه‌ها تعریف شده است

- در فضای کفر و سکولار تمام کلیدواژه‌ها تعریف شده است؛ یعنی اگر از علم، خرد، جامعه مدنی، دموکراسی، آزادی، آزادی اندیشه، احترام به عقاید، حقوق و حقوق بشر حرف می‌زنند تمام اینها در قالب نظام خودشان است و هر کدام دارای برند خاصی است. اگر این کلیدواژه‌ها با برندی غیر از برند آنها تبیین شوند، فوراً سرکوب، سانسور و حمله می‌کنند و لو در جبهه خودشان باشد. به عنوان مثال اگر از علم با مفهوم نور و بصیرت حرف زده شود یا آزادی بر اساس اسلام تعریف شود، این حرفها را سانسور می‌کنند. اگر از فرهنگ خارج از یونسکو حرف بزنیم تو را متهم به بی‌سوادی و بی‌خردی و بی‌فرهنگی می‌کنند، زیرا آنان فرهنگ را چیز دیگری می‌دانند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِين» (کافرون: ۶).

\* حقوق بشر یکی از کلیدواژه‌های غربی است که مبنای آن اومانیسیم (نفس پرستی) است

- حقوق بشر یکی دیگر از کلیدواژه‌های غربی است که مبنای آن اومانیسیم (نفس پرستی) است؛ آنان به این نتیجه رسیدند که انسان برترین موجود روی زمین است، پس حق اوست که هر جور بخواهد زندگی کند و لذت ببرد و قدرت و ثروت را توسعه دهد تا جایی که کسی معترض شود. این دستمایه حقوق بشر آنهاست. حال این حقوق بشر که سرمایه‌اش اومانیسیم است، چگونه می‌تواند بشر را هدایت کند؟ چگونه می‌تواند از ظلم و تجاوز و چپاول پیشگیری کند و جلوی جنگها و بیماری‌های جنسی و... را بگیرد؟

\* پر قدرت‌ترین فلسفه جهان کفر و سکولار، اومانیسیم است که پوچ و توخالی است

- پر قدرت‌ترین فلسفه جهان کفر و سکولار، اومانیسیم است. تمام فلسفه انسان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، تاریخ، علم، روابط بین الملل، حکومت، سیاست و مدیریت غرب به اومانیسیم منتهی می‌شود. اومانیسیم می‌گوید: چون قوی‌ترین موجود عالم هستیم، حق داریم هرگونه که خواستیم از عالم بهره ببریم. این فلسفه همه جایش ایراد دارد و پوچ و توخالی و ضعیف است. حال اگر ملتی سوادش نرسید که بفهمد غرب به آنها ظلم می‌کند و به او اعتراض نکنند، باید آنها را چاپید و غارت کرد؟ سیاست آنها و حکومت آنها را دست نشانده کرد؟ و... همه جای فلسفه اومانیسیم منفی و فاسد و بی پایه است.



\*در ادبیات اسلامی، منظور از غرب، غرب فرهنگی است که از از غروب و افول می‌آید و تاریکی و پلیدی به دنبال دارد، در حالی که واژه شرق از اشراق می‌آید که نور، حیات و روشنایی می‌آورد



- در ادبیات اسلامی، منظور از غرب، غرب فرهنگی است، نه غرب تاریخی و جغرافیایی؛ به عبارت دیگر منظور از غرب همان جهان کفر و سکولار است. غرب از غروب و افول و سقوط می‌آید. غرب، تاریکی و درد و کراهت و پلیدی به دنبال دارد. تاریکی ظلم، درد گرسنگی، وحشت جنگ، کراهت نفاق و دورویی و نیرنگ، پلیدی خیانت و سکس و گمراهی، همه غروب می‌آورد و هیچ کدام طلوع ندارند. با این تعریف از مصادیق غرب فرهنگی، کشورهای چین و ژاپن و روسیه هم می‌توانند باشند. در حالی که واژه شرق از اشراق می‌آید که نور، حیات و روشنایی می‌آورد.

- نکته‌ای که از ابتدای بحث گفته شد بیان دیگری بود از فلسفه بحث نظام‌شناسی؛

\* غرب در فرهنگ خودش اگر بگوید حقوق بشر برند آن اومانیسم است، اگر بگوید روانشناسی برند آن پوزیتیویسم است، اگر بگوید آزادی برند آن لیبرالیسم است

- غرب در فرهنگ خودش برای هر واژه‌ای یک برند و دفترچه راهنما تهیه کرده است. اگر بگوید حقوق بشر برند آن اومانیسم است. اگر بگوید روانشناسی برند آن پوزیتیویسم است. اگر بگوید آزادی برند آن لیبرالیسم است. برای جامعه‌شناسی، حکومت، روابط بین‌الملل، فرهنگ، حقوق، علم، تجارت، پول و سرمایه، هنر، ورزش، همزیستی، عهدنامه و توافق‌نامه، صلح و... از قبل برندی را حاضر کرده است.

- در حال حاضر یونسکو تعریف فرهنگ را ارائه می‌دهد. ولی تا جایی که مطابق فرهنگ خودشان باشد. مثلاً آثار باستانی کشورها را به عنوان بزرگترین آثار فرهنگی ثبت می‌کند ولی مصلای تهران، عاشورا، کربلا، حرم ائمه(ع)، ماه مبارک رمضان، شبهای احیا، قرآن، مفاتیح، تجمع میلیونی مسلمین در مکه و... را به عنوان حرکت فرهنگی ثبت نمی‌کند. گردشگری را حرکت فرهنگی می‌داند، اما اگر گردشگری رنگ زیارت گرفت، آن را ثبت نمی‌کند. لذا فرهنگ نزد جهان کفر و سکولار، برند خودش را دارد و مرکز آن را تأسیس کرده‌اند که هر کس در جهان از فرهنگ می‌گوید، بر اساس آن مرکز عمل کند.

- در غرب روابط جنسی مرد با مرد جزو کارهای قانونی است و ریشه آن دستگاه فکری اومانیسم است. شعارهای تأیید کننده این اندیشه عبارتند از آزادی در اندیشه، منطق در گفتار، آزادی در عمل که متأسفانه در بین دولتمردان اصلاحات این شعارها گفته شد.

- با توجه به آنچه گفته شد واضح است که غرب با «نظام»، جمهوری اسلامی را براندازی می‌کند و ما هم باید هم نظام کفر را بشناسیم و هم نظام اسلامی معادل را بشناسیم تا بتوانیم جایگزین کنیم؛ به این معنا که اگر ضعیف است آن را تقویت کنیم و اگر اشتباه است درستش کنیم و اگر نداریم، بسازیم.

\* رهبری در روابط بین‌الملل از نگاه قرآن به دست امامت است و از نگاه جهان کفر و سکولار به دست کدخدا و مدیر است

۱- مبنای روابط بین‌الملل در نگاه کفر، منفعت است و مبنای منفعت هم باطل است. یعنی هیچ حق و حقوقی ذیل روح باطل قرار نمی‌گیرد. ویژگی‌های باطل عبارت است از: مبهم، فاسد، مغشوش، تاریک، شهوات، مبتنی بر اوهام و وهم، خلاف علم حقیقی و نورانیت و بصیرت، ظاهر فریب، فضای تردد و عملیات شیطان، حباب و سراب و بی‌دوام و بی‌پایه است. منفعت باید با قید گفته شود مانند منفعت مسلمین، منفعت قرآنی. اگر منفعت بدون قید باشد به معنای منفعت باطل است.

مبنای روابط بین‌الملل در نگاه اسلام حق و حقیقت است.

۲- مأموریت روابط بین‌الملل از نگاه غرب ظلم و جور است در حالیکه مأموریت روابط در اسلام قسط و عدل است.

۳- صف آرایی در روابط بین‌الملل اسلامی حزب الله است و صف آرایی در روابط بین‌الملل کفر حزب الشیطان است.

۴- رهبری در روابط بین‌الملل از نگاه قرآن به دست امامت است: «وَنَجْعَلُهمُ أئِمَّةً وَنَجْعَلُهمُ الْوَارِثِینَ» (قصص: ۵) و رهبری در روابط بین‌الملل کفر، کدخدایی و مدیریت است.

- در قرآن ما امام داریم نه کدخدا: «إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴). امام چقدر مقام دارد که باید فرد در عصمت به مقام اولیاء خدا برسد، در معرفت به مقام نوبت برسد، در هدایت به مقام رسالت برسد، و در تمام اینها بالاترین نمره را بگیرد که تازه به مقام امامت برسد. آیا مدیریت و کدخدا این نشانه‌ها را دارد؟

\* امامت نازله ولایت است و ولایت نازله ربوبیت حضرت حق است و ربوبیت حضرت حق، نازله توحید عالمگیر می‌باشد

- امامت نازله ولایت است و ولایت نازله ربوبیت حضرت حق است و ربوبیت حضرت حق، نازله توحید عالمگیر می‌باشد. حضرت حق وقتی می‌خواهد ربوبیتش را اعمال کند می‌شود، ولی: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷). وقتی می‌خواهد ولایتش را اعمال کند، «امام» تعیین می‌کند. امامت مقامی است که به فرمایش امام رضا علیه السلام هیچ نبی و ملک مقربی به این مقام نمی‌رسد. در زیارت جامعه کبیره هم در وصف مقام ائمه (ع) آمده است: بکم تنزل الغیث، بکم تمسک السماء، بکم ینفس الهم... .

- کسی امیر المؤمنین است که بتواند بر مؤمنان که شاخص‌های آنان در سوره مؤمنون آمده امیری کند. در غرب، امیر کدخدا و مدیر است.  
- گفتیم که روابط بین الملل حداقل دارای هشت رابطه بوده که عبارتند از روابط فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی، پولی، دفاعی، حقوقی، مدیریت بین الملل که هریک از این هشت روابط هرکدام دارای چندین رشته است.

**\* فمینیسم، یونسکو، حقوق بشر، ورزش و... از برندهای جهان کفر و سکولار برای روابط فرهنگی هستند**

- روابط فرهنگی

برندها و سازمان‌ها و نقشه‌های مهندسی فرهنگی جهان کفر و سکولار برای فرهنگ و روابط فرهنگی، چیست؟  
روابط فرهنگی هشت برند دارد.

۱- فمینیسم: از برندهای معروفی است که تا حد دکترا تدریس می‌شود. نظریه پرداز دارد و دارای رشته‌هایی است.

۲- یونسکو: یک سازمان فرهنگی است که دارای وظایفی است و هرچیزی که بخواهد نام فرهنگی را به یدک بکشد باید توسط این برند به تایید برسد. در کتابی که یونسکو با نام دموکراسی چاپ کرد و در دوران اصلاحات در ایران ترجمه شد و در اختیار کتابخانه مدارس قرار گرفت، به طور تلویحی نظام ولایت فقیه و ولایی را نفی نموده است.

۳- حقوق بشر یا سازمان دفاع از حقوق بشر: که در برابر جنایات صهیونیست‌ها و داعش در غزه و سوریه و عراق ساکت است. در برابر رفتارهای حاکم بر کشورهایی مثل ترکیه، بحرین، مصر و عربستان و... که ضد حقوق بشر است، ساکت است اما ایران را به دلیل آزاد نگذاشتن بهاییان و همجنس‌بازان ضد حقوق بشر می‌داند.

۴- روابط علمی و دانشگاهی: علم از نگاه غرب آن چیزی است که پوزیتیویسم می‌گوید و اصلاً ربطی به عقل ملکوتی و قدسی ندارد و به آگاهی از افق‌های هستی‌شناسی کاری ندارد. بلکه منظور از علم، تکنولوژی و ابزار است.

۵- سازمان گردشگری: مشروب و قمار و روابط جنسی و رقص، مبنای کسب درآمد از محل گردشگری شده است که نمونه آن در کشورهای از جمله تایلند و آنتالیا در ترکیه که مرکز فسادند، مشخص می‌باشد.

۶- مطبوعات و رسانه‌ها: مطبوعات و رسانه‌ها از برندهای معروف فرهنگی هستند که از طریق آن مملکتی اداره می‌شود و دروغ واضحی حقیقت جلوه داده می‌شود.

۷- ورزش: که مرکز آن المپیک است. المپیک و فوتبال مردم و دین ما را به کجا می‌برد؟ سیاست و فرهنگ و جامعه و غیرت ما را به کجا می‌برد؟

۸- هنر: جایزه اسکار می‌دهند به فیلم‌هایی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی باشد. سینما، تئاتر، موسیقی، مجسمه سازی، نمایشنامه نویسی، نقاشی و... رشته‌های متعددی دارد. ...

لازم به یادآوری است که ان‌شاءالله هر هفته پنجشنبه‌ها از ساعت ۹:۳۰ صبح تا ۱۱:۳۰ کلاس‌های دوره آموزشی نظام‌شناسی برگزار می‌شود.

سی‌دی‌های صوتی این جلسات برای بهره‌برداری دانش پژوهان، تهیه شده و در اختیار آنان و سایر علاقمندان قرار می‌گیرد.

حضور در کلاسهای دوره آموزشی نظام‌شناسی، پس از ثبت نام حضوری، برای عموم خواهران و برادران بلامانع است.

عنوان فیلم/ مشاهده و دانلود	موضوع	زمان	حجم	تاریخ	مشاهده و دانلود در سایت آپارات
	<b>جدید**</b> بخش اول - توضیحاتی درباره شأن و مقام <u>امام معصوم (علیه السلام)</u>	۲۰۰۷ دقیقه	۳۰۷۸ mb	موسسه صابره، جلسه ۴۴ دوره نظام شناسی ۱۰مهر۹۳	 <b>آپارات</b> ۲۰۲۸ mb
	<b>جدید**</b> بخش دوم - جایگاه ائمه (ع) نزد حضرت حق، <u>زیارت حقیقی امام رضا (ع)، نقل خاطره ای از آقای</u> <u>قرانتی درباره زیارت امام رضا (ع) توسط علامه</u> <u>طباطبایی، شاخصهای نازل شدن ملائکه و نشانه های</u> <u>بهشتی بودن در همین دنیا</u>	۹۰۱۵ دقیقه	۱۵۰۱ mb	موسسه صابره، جلسه ۴۴ دوره نظام شناسی ۱۰مهر۹۳	 <b>آپارات</b> ۸۰۳۷ mb
	<b>جدید**</b> بخش سوم - قرانت بخشی از دعای کمیل، <u>توضیح درباره اینکه اهل البیت (ع) آسمانی هستند، ولی</u> <u>زمینی زندگی کردند</u>	۳۰۴۵ دقیقه	۷۰۰۵ mb	موسسه صابره، جلسه ۴۴ دوره نظام شناسی ۱۰مهر۹۳	 <b>آپارات</b> ۴۰۱۶ mb
	<b>جدید**</b> بخش چهارم - دعای پایان جلسه ۴ توسط <u>استاد زاهدی</u>	۳۰۳۳ دقیقه	۵۰۸۴ mb	موسسه صابره، جلسه ۴۴ دوره نظام شناسی ۱۰مهر۹۳	 <b>آپارات</b> ۳۰۴۸ mb
	<b>جدید**</b> کلیپ تصویری شامل: تفسیر نظام شناسانه <u>سوره کافرون، سخنان امام خامنه ای درباره</u> <u>دشمن شناسی، سخنان استاد زاهدی درباره ضرورت</u> <u>نظام شناسی، شعارهای هشتمین همایش بسوی</u> <u>راهنمای قرآنی در مدیریت و تربیت اسلامی و ...</u> <u>(این کلیپ در همایش هشتم مؤسسه صابره در خرداد ۹۳</u> <u>برای حاضرین پخش گردیده است)</u>	۶۰۰۲ دقیقه	۱۵۰۶ mb	تهران، کانون شهید مفتاح، خرداد ۹۳	 <b>آپارات</b> ۹۰۱ mb
	<b>جدید**</b> کلیپ برگزیده از سخنرانی استاد زاهدی در <u>نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، نشست تحول علوم</u> <u>انسانی، موضوع راهنمای تربیتی قرآنی</u>	۴۰۴۹ دقیقه	۹۰۹۵ mb	نمایشگاه بین المللی قرآن، بخش تحول علوم انسانی، ۱۷مرداد۹۰	 <b>آپارات</b> ۶۰۶۲ mb

# مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت مسئله اول در نظام ماست.

مقام معظم رهبریک ۶۸/۳/۳۶

شعبه مؤسسه صابره (س) در شهر «پرنده» برگزار می کند:

دوره آموزشی تعلیم و تربیت قرآنی



با تدریس: استاد زاهدی

چهارشنبه از ساعت ۱۶ تا ۱۷ - شروع کلاس از ۹۳/۷/۲

پرنده، فاز ۱، بلوار امام خمینی (ره)، البرز شمالی، میدان توحال،  
روبروی دفتر خدمات شهرداری، دارالقرآن صابره (س)

ویژه خواهران و برادران

مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره سلام الله علیها

تلفن	۶۶۷۲۷۱۵۶-۶۶۷۲۷۱۵۹-۰۲۱
نمبر	۶۶۷۳۶۰۸۷-۰۲۱
شماره پیامک	۱۰۰۰۶۶۷۲۷۱۵۶
آدرس پایگاه اطلاع رسانی صابره	<a href="http://www.Sabereh.ir">www.Sabereh.ir</a>
آدرس سایت انجمن نظام شناسی قرآنی	<a href="http://Nezam.sabereh.ir">http://Nezam.sabereh.ir</a>
آدرس انجمن نظام شناسی قرآنی در شبکه محبان اهل البیت (ع) (هادی نت)	<a href="http://hadinet.ir/saberehwww">hadinet.ir/saberehwww</a>
آدرس پست الکترونیکی	<a href="mailto:Sabereh@sabereh.ir">Sabereh@sabereh.ir</a> و <a href="#">فرم تماس با ما</a>
آدرس صابره در شبکه آپارات	<a href="http://www.aparat.com/MSABEREH">http://www.aparat.com/MSABEREH</a>
آدرس پستی دفتر مرکزی مؤسسه صابره	تهران، خ جمهوری اسلامی، خ حافظ، خ هاتف، نبش خیابان شهید محمدییک، پلاک ۶۴
آدرس پستی شعبه پرنده (دارالقرآن صابره)	پرنده، فاز ۱، بلوار امام خمینی (ره)، البرز شمالی، میدان توحال، روبروی دفتر خدمات شهرداری